NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

دوشنبه ۲ آذر ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۹۳
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

ابطال موازی‌کاری مجازی



ایجاد این ستاد در حالی صورت گرفت که شورای عالی فضای مجازی به فرمان رهبر شهید انقلاب اسلامی، با اختیارات متعدد و به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل شده و مرجع متمرکز سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور است. مصوبات این شورا لازم‌الاجراست و در حکم انتصاب اعضای آن نیز سیاست‌گذاری، مدیریت کلان، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و نظارت در این حوزه بر عهده شورا قرار گرفته است. فقهای شورای نگهبان با توجه به صلاحیت‌های تعیین‌شده برای شورای عالی فضای مجازی، حکم مربوط به نهادهای موازی در حکم انتصاب اعضای شورا و مأموریت‌های پیش‌بینی‌شده برای ستاد، تشکیل «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور» را خلاف شرع شناختند.

۲



امارات؛ بازوی محاصره ایران

گزارش‌هایی جدی درباره نقش ابوظبی در همکاری با آمریکا علیه امنیت ملی کشورمان مطرح است

۷

ایران را با روایت دشمن نشناسیم

علی بهادری جهرمی
سخنگوی دولت شهید رئیسی

یکی از توصیه‌های دائمی امام شهید و تأکیدات رهبری عزیز، حرکت هدفمند در مسیر ساخت ایران قدرتمند بوده و هست؛ آرمانی که تحقق آن به تقویت ظرفیت‌های عظیم کشور و بازنگری مستمر در الزامات حکمرانی نیاز دارد. یکی از وظایف مهم مسئولان و جریان‌های فکری کشور، بازخوانی الزامات عملی تحقق این هدف است؛ از جمله ضرورت‌هایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته ساخت و ارائه تصویری قدرتمند، واقعی و معتبر از ایران آینده و معرفی درست ایران امروز و آینده در عرصه داخلی و بین‌المللی است.

متن کامل در صفحه ۲



حکم انفصال وزیر دولت روحانی به کجا رسید؟

۵



اصرار بر محرومیت رسایی از حق نمایندگی، به قیمت تعطیلی مجلس

۳

فرهنگی | صفحه ۸

جشن حافظ یا ویترین سیاسی‌کاری و سلبریتی‌سازی

جشن حافظ قرار بود محفلی برای پاسداشت سینما و تلویزیون ایران و تقدیر از خالقان آثار ماندگار باشد؛ اما مرور دوره‌های اخیر این مراسم، پرسش‌هایی جدی درباره فاصله میان ادعای فرهنگی و عملکرد آن ایجاد می‌کند.

سیاسی | صفحه ۳

خروج خودکار از NPT روی میز بهارستان

روز گذشته، محمد منان رئیسی، نماینده مجلس طی توییتی در صفحه شخصی خود نوشت: طرح دوفوریتی خروج خودکار جمهوری اسلامی ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را در سامانه قانون‌گذاری مجلس ثبت کردم.

یادداشت

ایران را با روایت دشمن نشناسیم

علی بهادری جهرمی
سخنگوی دولت شهید رئیسی

یکی از توصیه‌های دائمی امام شهید و تأکیدات رهبری عزیز، حرکت هدفمند در مسیر ساخت ایران قدرتمند بوده و هست؛ آرمانی که تحقق آن به تقویت ظرفیت‌های عظیم کشور و بازنگری مستمر در الزامات حکمرانی نیاز دارد. یکی از وظایف مهم مسئولان و جریان‌های فکری کشور، بازخوانی الزامات عملی تحقق این هدف است؛ از جمله ضرورت‌هایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته ساخت و ارائه تصویری قدرتمند، واقعی و معتبر از ایران آینده و معرفی درست ایران امروز و آینده در عرصه داخلی و بین‌المللی است.

با توجه به تمرکز بلندمدت دشمن بر جنگ رسانه‌ای و ضعف رسانه‌ای کشور، بخش قابل توجهی از تصویر کشور در رسانه‌های جهانی از دریچه روایت‌های جهت‌دار و تحریف‌شده شکل می‌گیرد. در چنین وضعیتی، کنش‌های رسانه‌ای مقامات و ارتباط مستقیم ایشان با رسانه‌ها فرصتی راهبردی برای تبیین واقعیت ایران است. اظهارنظرها و موضع‌گیری‌های مختلف، مصاحبه با رسانه‌های بین‌المللی، نشست‌های خبری، دیدارهای رسمی و مواضع علنی مسئولان، فرصتی برای تصویرسازی از ایران آینده، جهت‌دهی همگانی برای حرکت به سمت آن و همزمان موقعیتی ویژه معرفی هویت، ظرفیت‌ها و اقتدار ملی و اثرگذاری بر برداشت دیگران از جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌روند.

از این منظر، تصویرسازی از ایران آینده در کنار بازنمایی قدرت ملی باید به‌عنوان بخشی از مسئولیت حکمرانی مقامات عالی‌رتبه شناخته شود. مسئولان کشور به اعتبار جایگاه عمومی خود، در تعاملات رسمی و اظهارات رسانه‌ای، نمایندگی‌کننده بخشی از هویت و اعتبار جمهوری اسلامی هستند. بنابراین، چگونگی سخن گفتن آنان درباره ایران و نحوه مواجهه با پرسش‌ها و روایت‌های رسانه‌ای، موضوعی صرفاً شخصی و سلیقه‌ای یا جناحی و سیاسی محض نیست و باید در چارچوب مسئولیت ملی و سازمانی آنان مورد توجه قرار گیرد.

بدیهی است تصویرسازی از ایران آینده و معرفی پایه‌ها و شاخصه‌های ایران قدرتمند به جهان به معنای نادیده گرفتن مشکلات و کاستی‌های کشور نیست. مسئولان موظف‌اند این مشکلات را دقیق بشناسند و برای رفع آن‌ها اقدام کنند؛ اما باید میان عرصه حل مسائل داخلی و عرصه‌های طراحی ایران آینده یا بازنمایی بین‌المللی کشور تناسب و تمایز قائل شد. در امیدآفرینی و جهت‌دهی به حرکت ملی یا در تعاملات خارجی، برجسته‌سازی یک جانبه مشکلات، بدون توجه به اقتضائات ارتباطی و اهداف ملی، تصویری ناقص و نامتوازن از ایران ایجاد می‌کند که هم‌مسیر جنگ رسانه‌ای دشمن علیه ملت و کشور ایران است. برای تحقق این هدف، ضروری است تصویرسازی از ایران آینده و بازنمایی قدرت ملی در قالب یک چارچوب سیاستی و اجرایی لازم‌الاتباع سامان یابد. تدوین پروتکل‌های ارتباطی و رسانه‌ای برای مقامات عالی‌رتبه در اظهارنظرهای مختلف و به‌ویژه در سفرهای خارجی، نشست‌های خبری و مصاحبه با رسانه‌های بین‌المللی، می‌تواند گام مؤثری در این مسیر باشد.

این پروتکل‌ها باید محورهای اصلی معرفی ظرفیت‌های کشور، شیوه مواجهه با پرسش‌ها و روایت‌های جهت‌دار و اقتضائات هر موقعیت ارتباطی را مشخص کنند. بررسی و تصویب چنین چارچوبی در نهادی عالی مانند شورای عالی امنیت ملی و پیش‌بینی سازوکار هماهنگی و نظارت برای اجرای آن نیز می‌تواند به انسجام این رویکرد کمک کند. ساخت ایران قدرتمند، هم به افزایش مؤلفه‌های قدرت ملی نیاز دارد و لازمه‌ی این مهم معرفی درست و مؤثر ظرفیت‌های موجود و تصویرسازی درست از آینده‌ی مطلوب ایران عزیز است. قدرت ملی زمانی به حداکثر ظرفیت اثرگذاری خود می‌رسد که علاوه بر تولید و تقویت در مسیر طراحی شده برای آینده‌ی روشن، به‌درستی بازنمایی و شناخته شود.

شورای نگهبان در پاسخ به دیوان عدالت اداری، تاسیس «ستاد ویژه فضای مجازی» را خلاف شرع دانست

ابطال موازی‌کاری مجازی

اردیبهشت‌ماه سال جاری بود که با مصوبه دولت و به ریاست محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور» تشکیل شد. ستادی که از همان ابتدای تشکیل با انتقاداتی درباره مبنای قانونی، حدود اختیارات و احتمال موازی‌کاری با نهادهای موجود همراه بود. آنچه که درباره اهداف تشکیل این ستاد گفته می‌شد ایجاد هماهنگی و انسجام در مدیریت فضای مجازی کشور بود. اما منتقدان معتقد بودند با توجه به جایگاه شورای عالی فضای مجازی به‌عنوان مرجع اصلی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در این حوزه، ایجاد ساختاری جدید در بدنه دولت با مأموریت مشابه می‌تواند به تداخل صلاحیت‌ها و شکل‌گیری نهادهای موازی منجر شود.



جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

براساس اصل چهارم قانون اساسی، نظارت بر رعایت موازین شرعی در قوانین و مقررات، از جمله مصوبات دولت، بر عهده فقهای شورای نگهبان است. بر این اساس هر کس می‌تواند با طرح شکایت در دیوان عدالت اداری، ابطال مقرراتی را که خلاف شرع می‌داند، درخواست کند. در این موارد، دیوان پس از طی مراحل قانونی، موضوع را همراه با اسناد پرونده برای اظهارنظر به فقهای شورای نگهبان ارجاع می‌دهد. به موجب ماده (۸۷) قانون دیوان عدالت اداری، نظر فقهای شورا برای دیوان لازم‌الاتباع است و چنانچه مقرره‌ای خلاف شرع شناخته شود، دیوان مطابق همان نظر نسبت به ابطال آن اقدام می‌کند.

درهمین راستا، شکایات متعددی علیه این ستاد غیرقانونی رئیس جمهور، در دیوان عدالت اداری ثبت شد. و قرار شد این پرونده در دو بخش قانونی و شرعی مورد بررسی قرار بگیرد و رأی نهایی پس از برگزاری جلسه هیأت عمومی دیوان اعلام شود.

روز گذشته، هادی طحان‌نظیف عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان درگزارشی به مردم درباره نتیجه شکایات علیه این ستاد طی یادداشتی نوشت: شاکیان با طرح شکایت در دیوان عدالت اداری، ابطال مصوبه ایجاد «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور» و چند مصوبه مرتبط با شبکه ملی اطلاعات، محدودسازی اینترنت و فعالیت سکوها و کسب‌وکارهای دیجیتال را درخواست کردند. دیوان نیز موضوع را برای بررسی ادعای مغایرت با موازین شرعی به فقهای شورای نگهبان ارجاع داد و فقهای محترم شورا درباره این مصوبات اظهارنظر کردند.

تشکیل ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی

تدوین نقشه راه حکمرانی فضای مجازی، بازآرایی ساختارهای تصمیم‌گیری، ساماندهی دبیرخانه شورای عالی و مرکز ملی فضای مجازی و نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها، از جمله مأموریت‌های این ستاد بود. در اصلاح بعدی سند نیز مقرر شده بود ستاد پیشنهادهای خود را به رئیس جمهور ارائه کند و تصمیمات، پس از تأیید وی برای دستگاه‌ها لازم‌الاجرا باشد.

ایجاد این ستاد در حالی صورت گرفت که شورای عالی فضای مجازی به فرمان رهبر شهید انقلاب اسلامی (اعلی‌الله‌مقامه الشریف)، با اختیارات متعدد و به ریاست رئیس جمهور تشکیل شده و مرجع متمرکز سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور است. مصوبات این شورا لازم‌الاجراست و در حکم انتصاب اعضای آن نیز سیاست‌گذاری، مدیریت کلان، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و نظارت در این حوزه بر عهده شورا قرار گرفته است. در همین حکم، برای تحکیم جایگاه فراقوه‌ای و موقعیت محوری شورا، بر انحلال شوراها و نهادهای موازی و انتقال وظایف آنها به شورای عالی فضای مجازی تصریح شده است.

فقهای شورای نگهبان با توجه به صلاحیت‌های تعیین‌شده برای شورای عالی فضای مجازی، حکم مربوط به نهادهای موازی در حکم انتصاب اعضای شورا و مأموریت‌های پیش‌بینی‌شده برای ستاد، تشکیل «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور» را خلاف شرع شناختند.

راهبری شبکه ملی اطلاعات و بازنگری اسناد آن

«ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور» در مصوبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۵، تشکیل «کمیته راهبری شبکه ملی اطلاعات» را برای راهبری این شبکه پیش‌بینی کرده بود. همچنین مرکز ملی فضای مجازی موظف شده بود سند معماری و طرح کلان شبکه ملی اطلاعات را به‌روزرسانی کند و دستگاه‌های مسئول اجرای طرح نیز گزارش اقدامات خود را به این کمیته ارائه دهند. با این حال در چارچوب احکام رهبری و مصوبات شورای عالی فضای مجازی، سیاست‌گذاری و تعیین ضوابط کلان شبکه ملی اطلاعات در صلاحیت شورای عالی فضای مجازی است و مسئولیت راهبری و نظارت بر اجرای آن به مرکز ملی فضای مجازی سپرده شده است. بازنگری در سند معماری و طرح کلان شبکه نیز باید با رعایت ترتیبات مقرر برای این مراجع انجام شود. فقهای شورا با توجه به این ترتیبات، تشکیل کمیته راهبری از راهی غیراز مسیر تعیین‌شده توسط ولی فقیه را خلاف شرع شناختند. حکم بند دوم درباره به‌روزرسانی سند معماری و طرح کلان شبکه ملی اطلاعات از این طریق نیز فاقد اعتبار اعلام شد. بندهای سوم و چهارم مصوبه نیز به تبع همین اشکالات، خلاف شرع شناخته شدند.

تعیین وظیفه برای شورای عالی امنیت ملی

در مصوبه ۶ تیر ۱۴۰۵ رئیس جمهور مقرر شده بود، تصمیم‌گیری درباره اعمال محدودیت گسترده، اختلال فراگیر یا قطع دسترسی به اینترنت سراسری کشور، صرفاً در شورای عالی امنیت ملی انجام شود. براساس این مصوبه، هیچ دستگاه یا مقامی مجاز نبود بدون مصوبه شورا، دستور اعمال این محدودیت‌ها را صادر یا آنها را اجرا کند.

فقهای شورای نگهبان در اظهارنظر خود، تعیین وظیفه برای شورای عالی امنیت ملی را منوط به تصمیم خود شورا پس از تأیید مقام معظم رهبری دانستند. براین اساس، تعیین وظیفه برای این شورا باید از مسیر یادشده انجام شود و فقهای شورا، تعیین وظیفه به شیوه مقرر در مصوبه مورد شکایت را خلاف شرع شناختند.

تصمیم‌گیری درباره فعالیت سکوها و کسب‌وکارهای دیجیتال

آخرین محور مورد اشاره طحان‌نظیف، ابلاغیه ۵ مرداد ۱۴۰۵ دبیر هیئت دولت درباره فعالیت سکوها و کسب‌وکارهای دیجیتال است. براساس این ابلاغیه دبیر هیئت دولت، هرگونه تصمیم یا اقدام اداری و اجرایی دستگاه‌های اجرایی برای انسداد، تعلیق، تحدید یا ممنوعیت فعالیت سکوها و کسب‌وکارهای دیجیتال، به اخذ نظر ستاد و تأیید رئیس جمهور منوط شده بود.

فقهای شورای نگهبان، اطلاق و شمول این حکم را بر دو دسته از موارد خلاف شرع شناختند؛ نخست، مواردی که این دستور با مصوبات شورای عالی فضای مجازی یا شورای عالی امنیت ملی مغایر باشد؛ دوم، مواردی که تصمیم‌گیری درباره موضوع، منحصراً در صلاحیت یکی از این دو شورا باشد. چراکه در موارد دسته نخست، ملاک اظهارنظر، رعایت مصوبات دو شورای عالی است و در دسته دوم، رعایت صلاحیت انحصاری آنها در تصمیم‌گیری اهمیت دارد. بنابراین، ایراد فقها به شمول حکم ابلاغیه بر همین موارد مربوط است.

با اعلام نظر فقهای شورای نگهبان، دیوان عدالت اداری موظف است درباره ابطال مقررات مورد شکایت، مطابق این نظر اقدام کند.

خروج خودکار از NPT روی میز بهارستان



موضوع بازنگری در نحوه عضویت ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و حتی خروج از این پیمان، به یکی از مطالبات مطرح در فضای سیاسی و عمومی کشور تبدیل شد؛ مطالبه‌ای که طی روزهای گذشته با طرح پیشنهادهای مختلف از سوی نمایندگان مجلس، کارشناسان و فعالان سیاسی دنبال شده است.

روز گذشته، محمد منان رئیسی، نماینده مجلس طی توییتی در صفحه شخصی خود نوشت: طرح دوفوریتی خروج خودکار جمهوری اسلامی ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را در سامانه قانون‌گذاری مجلس ثبت کردم. وی افزود: براساس این طرح، در صورت تجاوز مجدد به هریک از مراکز هسته‌ای کشور، عضویت ایران در پیمان NPT به‌صورت خودکار و بدون نیاز به طرح مجدد در مجلس لغو خواهد شد؛ این طرح به پیشنهاد سازمان بسیج اساتید کشور و با هدف جلوگیری از تکرار حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران تدوین شده است.

گفتنی است که اخیرا، میرسامان پیشوایی، رئیس سازمان بسیج اساتید کشور، از تدوین طرحی در این سازمان با همکاری استادان متخصص و تقدیم رسمی آن به مجلس شورای اسلامی خبر داده بود؛ طرحی که براساس آن، در صورت حمله مجدد به مراکز هسته‌ای ایران، خروج کشور از NPT به‌صورت خودکار انجام شود و دولت مکلف به اجرای فوری آن باشد.

اصرار رئیس مجلس بر عدم دسترسی رسایی به سامانه نمایندگی، با انتقاد نمایندگان مواجه و جلسه مجازی را تعطیل کرد

اصرار بر محرومیت رسایی از حق نمایندگی، به قیمت تعطیلی مجلس

اصرار مدیریت مجلس بر سلب حق نمایندگی حجت‌الاسلام حمید رسایی ادامه دارد و این روند، ضربات کم‌سابقه‌ای بر شان و جایگاه قوه مقننه در افکار عمومی وارد کرده است. هرچند ماجرای عدم دسترسی منتخب سوم مردم تهران در مجلس دوازدهم به تبلت نمایندگی‌اش از چند هفته پیش و در جریان محکومیت رسایی به زندان با شکایت قالیباف مطرح بود، اما اتفاقی که روز گذشته در مجلس رقم خورد را باید یکی از نقاط تاریک دوران مدیریت قالیباف بر مجلس برشمرد؛ رویکردی که موجب شده تا طبق نظرسنجی‌های معتبر، جایگاه این قوه در نزد مردم به شکل معناداری سقوط کند.



جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

به دنبال محکومیت حجت‌الاسلام حمید رسایی نماینده مردم تهران در مجلس به ده ماه حبس با شکایت محمدباقر قالیباف، مدیریت مجلس دسترسی او به کارتابل نمایندگی را مسدود کرده است. این اقدام عجیب البته با انتقاد بسیاری از نمایندگان مانند حاجی دلیگانی نماینده شاهین‌شهر، گودرزی سخنگوی هیأت رئیسه و نقدعلی نائب رئیس کمیسون قضایی مواجه شد. خود رسایی در گفتگوی اخیر با نوبنیاد با اشاره به موضوع گفته بود: متاسفانه در روزهای سه شنبه و چهارشنبه با وجود اینکه تبلت نمایندگی در اختیار خودم بود اما مسئول فن آوری مجلس دسترسی ام را قطع کرده بود که این کار جرم است و حتما پیگیری میکنم. این مسئول که زیر نظر آقای قالیباف است ادعا می کرد که هیأت رئیسه چنین دستوری داده ولی همه مردم از تریبون مجلس شنیدند که آقای حاجی بابایی در اعتراض به تذکر آقای گودرزی گفت: هیأت رئیسه چنین تصمیمی درباره عدم دسترسی رسایی به سامانه مجازی مجلس نگرفته! سوال من این است و هریک از اینها به دیگری حواله می دهند! الان مسئولیت این اقدام غیرقانونی متوجه رئیس مجلس است.

این ماجرا به جلسه دیروز مجلس کشیده شد و نمایندگان مختلفی از طیفهای گوناگون سیاسی از جمله علی خضریان، مرتضی آقاتهرانی، مهدی کوچک‌زاده، حسین صمصامی، حامد یزدیان، حسن قشقاوی، عباس گلرو، مالک شریعتی، احمد بیگدلی و... خواستار حل مشکل و وصل شدن تبلت رسایی شدند و تعدادی دیگر از اعضای هیات رئیسه نیز اعلام کردند در این مورد حق با رسایی است و این کار جرم و خلاف قانون اساسی است و کسی حق قطع تبلت و ممانعت از وظایف نمایندگی وی را ندارد. با این حال، جلسه دیروز مجازی مجلس عملا تشکیل نشد تا هیات رئیسه با کسب اجازه از قالیباف، دسترسی رسایی به تبلتش را باز کند تا وی بتواند به وظایف نمایندگی خود برسد. موضوعی که در نهایت نیز به جایی نرسید.

خود رسایی در خصوص حواشی جلسه دیروز مجلس نوشت: در ایامی که در حبس بودم، هیأت رئیسه مجلس، به جای اینکه تلاش کند تا به عنوان نماینده مردم بتوانم از امکانات مجازی برای ایفای وظایف نمایندگی استفاده کنم، از ۱۰ آبان دسترسی ام به سامانه نمایندگی را قطع کرد! از روز سه‌شنبه ۲۶ آبان که در مرخصی و در مجلس حاضر بودم، پیگیر باز شدن سامانه شدم. حتی این موضوع را خبری نکردم ولی در طول این یک هفته هم سامانه نمایندگی برخلاف قانون باز نشد و در حقیقت نمایندگی که امانت مردم بود را از من گرفتند! برخی از نمایندگان ملت (که خدا خیرشان دهد) امروز قبل از شروع جلسه به آقای نیکزاد اعلام کردند که اگر جلسه را شروع کنید و همچنان رسایی به سامانه نمایندگی دسترسی نداشته باشد، علنی اعتراض خواهند کرد تا مردم از واقعیت مطلع شوند. مذاکره نیکزاد با قالیباف در این باره پاسخ نداد و وی حاضر به بازکردن سامانه نمایندگی رسایی نشد. در نهایت هیات رئیسه برای اینکه صدای این اعتراض به حق، عمومی نشود، جلسه را لغو کرد. نمایندگی حق مردم است و هیچ کس نمی تواند آن را سلب کند.

روایت نمایندگان از جلسه دیروز

حامد یزدیان نماینده مردم اصفهان نیز در روایت خود از جلسه دیروز مجلس نوشت: در این شرایط خاص اقتصادی و امنیتی کشور عدم تشکیل جلسه علنی مجلس توسط هیات رئیسه هیچ توجیه قانونی و عقلی ندارد. به عنوان کسی که دیروز نوبت نطق ۷ دقیقه‌ای داشت در محل جلسه حاضر بودم و اصرار به تشکیل جلسه داشتم. برخی خیال نکنند می توانند روایت سازی کنند و نمایندگان انقلابی را عامل تشکیل نشدن جلسه مجلس معرفی کنند. اگر هیات رئیسه در مورد برخی بی حرمتی ها که به نمایندگان در حاشیه جلسه انجام شد اقدام نکند شفاف سازی می کنم.

علی خضریان، نماینده تهران در مجلس نیز در اینباره گفت: تاکنون به احترام دستگاه قضایی درباره حکم رسایی اظهارنظر نکردم، اما معتقد هستم که حق نمایندگی در مجلس نباید سلب شود و با کدام حجت شرعی دسترسی این نماینده را بسته‌اند؟. در موضوع مورد بحث نیز حکمی که برای آقای رسایی صادر شده، متضمن هیچ‌گونه محرومیت از حقوق سیاسی و اجتماعی نیست. تعدادی از اعضای هیئت‌رئیسه نیز استدلال بنده را تأیید کردند. اگر چنین اقدامی به‌صورت سلیقه‌ای اعمال شود، ممکن است در حق هریک از نمایندگان در آینده انجام و به بدعتی در مجلس تبدیل شود. در ادامه، بنده به همراه آقایان نیکزاد، رسایی، آقاتهرانی و تعدادی از اعضای هیئت‌رئیسه برای پیگیری موضوع به اتاق دیگری رفتیم. تأکید کردم که اگر فرضاً سامانه قابل اصلاح نیست، این موضوع در آیین‌نامه پیش‌بینی شده است و فردی که امکان رأی دادن از طریق سامانه را ندارد، می‌تواند رأی خود را به‌صورت برگه‌ای ثبت کند. هم آقای نیکزاد و هم آقای رسایی این موضوع را پذیرفتند. در واقع رسایی پذیرفت که بدون دسترسی به سامانه مجلس رای دهد. نماینده تهران اظهار داشت: در ادامه جلسه‌ای میان اعضای هیئت رئیسه با ریاست نیکزاد برگزار شد. ضمن اینکه در حاشیه این جلسه اتفاقات دیگری از جمله بگو مگو میان چند نفر از نمایندگان و غیرنمایندگان رخ داد و سپس اعلام شد نشست صحن امروز لغو شده و برگزار نمی‌شود.

اقدام دیروز مدیریت مجلس برای تعطیلی جلسه در حالی است که رئیس مجلس همان دیروز، جلسه دیگری با حضور معاونین خود و روسای کمیسیون‌های مجلس برگزار کرد. این بدعت قالیباف پیش از این نیز مورد انتقاد بسیاری از نمایندگان قرار گرفت. برگزاری نشست شورای هماهنگی مجلس بدون حضور اکثریت نمایندگان در حالی توسط قالیباف در چند ماه اخیر دنبال شده و صحن مجلس به دلایل مختلف برای ماه‌ها تعطیل بوده و در جلسات مجازی نیز بسیاری از نمایندگان به خاطر مشکلات فنی و اختلال در سامانه و... نتوانستند مشارکت داشته باشند.

گزارش کوتاه

نامه مجمع نمایندگان ملت مبعوث به پزشکیان

روز گذشته، مجمع نمایندگان ملت مبعوث در نامه‌ای به رئیس جمهور، با انتقاد از وضعیت کنونی صادرات نفت و احتمال بروز تخلفات در سازوکار فروش غیرمتعارف نفت، خواستار مخالفت با تمدید مجوز فعالیت کارگروه ۸ نفره مقابله با تحریم‌های نفتی و فعال‌سازی ظرفیت قانونی «هیئت عالی نظارت بر منابع نفتی» شد.

در بخش هایی ازاین نامه آمده است:

با تشدید تحریم‌های نفتی و بانکی از سال ۱۳۹۷ تاکنون، صادرات نفت ایران از حالت رسمی خارج و به صورت غیرمتعارف دنبال شد و براساس مصوبات شورای عالی امنیت ملی، شورای سران قوا (ستاد مقابله با تحریم)، تعیین فروشندگان (تریدرها) نفتی و میزان محموله‌ها در کارگروه هشت نفره مقابله با تحریم نفتی انجام شده است.

به علت برخی اشکالات ازجمله فسادهای حادث شده، مجوز سالانه فعالیت کارگروه مذکور (فراقانونی و مصون از پیگرد) در آبان ۱۴۰۴ از سوی شورای سران قوا تمدید نشد که نهایتا پس از استعفای وزیر سابق نفت، متاسفانه شنیده میشود به اصرار سرپرست محترم وزارت نفت، در دست بررسی برای تمدید مجوز است.

به نظر می‌رسد علت تقاضا برای تمدید مجوز مذکور، عدم توجه به ظرفیت‌های قانونی موجود برای پاسخ به نیاز فروش نفت در شرایط خاص تحریمی و طرد اقتصادی تحمیلی باشد. آنچه ضروری است ساماندهی سازوکارهای مقابله با تحریمهای نفتی شامل تعیین فروشنده‌ها و محموله‌ها و نیز نحوه تسویه مالی این فرآیند در شرایط تقابل نظامی، محاصره و تداوم و تشدید تحریم‌های ظالمانه آمریکا علیه تجارت قانونی نفت و گاز و فرآورده‌های ذیربط و ضرورت اتخاذ و اجرای اقدامات پیشگیرانه برای خنثی سازی تحریم‌های مذکور در زنجیره توسعه تولید تا افزایش درآمد صادراتی همراه با ضرورت مقابله جدی با زمینه‌های فساد اقتصادی توسط ذینفعان فروش نفت خام کشور (تریدرها و تراستی‌ها) است.

پاسخ به همه نیازهای فوق‌الذکر، در هیئت عالی نظارت بر منابع نفتی با حضور ۹ نماینده از سه قوه در آن پیش بینی شده که متاسفانه تاکنون حداقل نیمی از ظرفیت آن مورد غفلت کامل قرار گرفته است.

کافی است با اصلاح دستورالعمل اجرایی هیئت عالی نظارت بر منابع نفتی موضوع تبصره ماده ۷ قانون نفت توسط وزارت نفت و تصویب آن در هیات وزیران، کل فرآیندهای تولید تا فروش نفت کشور بطور یکپارچه در این هیات ریل گذاری و طبق قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و قانون اساسنامه شرکت ملی نفت، تمام عملیات تجارت نفت در شرکت بازرگانی نیکو (متعلق به شرکت ملی نفت ایران) ساماندهی و اجرایی شود تا به تاکیدات مکرر رهبرشهید انقلاب مبنی بر حذف قواعد غیرضروری و کاهش سازوکارهای موازی و لزوم انجام امور در مسیر ظرفیت‌های قانونی موجود کشور عمل شده باشد.

خبر کوتاه

طعنه سرلشکر رضایی به ترامپ

دبیر شورای عالی امنیت ملی در صفحه شخصی خود نوشت: ایران ۲۰۲۶، ایرانِ ۱۹۴۳ کنفرانس تهران و ۱۹۴۵ کنفرانس یالتا نیست؛ همانطورکه آمریکای ۲۰۲۶ آمریکای آن دوران نیست و به یک کشور شکست خورده و نه فاتح در جنگ تبدیل شده است! جهان تغییر کرده است؛ با عکس‌های کهنه نمی‌توان نظم فعلی را به گذشته بازگرداند!

دستور رفع محدودیت برد موشک‌ها محقق شد

روز گذشته، سردار قریشی، با تشریح دستور فرمانده معظم کل قوا درباره برد سلاح‌های نیروهای مسلح گفت: فرمانده معظم کل قوا دستوری را به فرماندهان نیروهای مسلح ابلاغ کردند که براساس آن محدودیت برد سلاح‌ها برداشته شده و محدودیت جغرافیایی نیز برای نیروهای مسلح وجود ندارد. وی افزود: معنای این دستور آن است که متناسب با تهدید، هرکسی در هرکجا و با هروسیله‌ای ملت ایران را تهدید کند، باید پاسخ داده شود. وی توضیح داد: دستور قبلی متناسب با برآورد نظامی و تهدید در محدوده ۲ هزار کیلومتری بود و بر همین اساس، نیازی به برد بیش از ۲ هزار کیلومتر برای موشک‌ها و دیگر سلاح‌ها از جمله پهپادها دیده نمی‌شد.

تخلف ایران‌خودرو در فروش ۱۰ هزار خودرو تایید شد



ایران خودرو اقدام به عرضه حدود ۱۰ هزار خودرو خارج از روال معمول فروش کرد. این خودروها با ۲۰۰ میلیون تومان کمتر از قیمت بازار آزاد از طریق یک فروشنده خودرو (اتوپلازها) عرضه شدند، اما با ورود دادستانی، جلوی آن گرفته شد. عزت‌الله زارعی، سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت، در گفت‌وگو با فارس درباره اینکه آیا اقدام ایران خودرو مصداق گران‌فروشی یا احتکار بوده است، گفت: تشخیص مصادیق جرم بر عهده مرجع قضایی است و تعیین نوع مجازات نیز از سوی قوه قضاییه انجام می‌شود. وی افزود: اقدامی که ایران خودرو انجام داده، برخلاف روال معمول فروش خودرو بوده است. خودروساز برای عرضه خودرو باید مجوزهای لازم را از سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان دریافت کند و تعهدات خود را نیز در نظر بگیرد. عرضه خودرو در نمایشگاه بدون طی این فرآیند، با روش معمول فروش خودرو مغایرت داشته است.

زارعی تصریح کرد: وزارت صمت این مغایرت‌ها را به مرجع قضایی اعلام کرده و دادستانی نیز به موضوع ورود کرده است. اکنون باید منتظر ماند تا مرجع قضایی پس از بررسی‌های لازم درباره این اقدام تصمیم‌گیری کند. سخنگوی وزارت صمت درباره ادعای ایران خودرو مبنی بر اینکه عرضه خودروها براساس مصوبه کمیته خودرو و با هدف پرداخت مطالبات قطعه‌سازان انجام شده است، گفت: سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، اعلام کرد که در مصوبه کمیته خودرو چنین مجوزی وجود نداشته است. اگر خودروساز ادعا می‌کند این اقدام براساس مصوبه‌ای انجام شده، باید مستندات خود را به مرجع قضایی ارائه کند و صحت و اعتبار این ادعا نیاز از سوی مرجع قضایی بررسی خواهد شد.

وی درباره تعداد خودروهای عرضه‌شده نیز گفت: چه یک دستگاه خودرو، چه ۱۰۰ دستگاه یا ۱۰ هزار دستگاه؛ هر عرضه‌ای که با فرآیند قانونی فروش خودرو تطبیق نداشته باشد، از نظر وزارت صمت با روش‌های مرسوم فروش مغایرت دارد. خودروساز باید برای عرضه خودرو به سازمان حمایت مراجعه و با این سازمان هماهنگی کند. چنانچه این فرآیند طی نشود، مراجع قضایی باید درباره موضوع تصمیم‌گیری و برخورد قانونی کنند. در حال حاضر نیز دادستانی در حال بررسی پرونده است.

سخنگوی وزارت صمت تاکید کرد: سازمان حمایت در بررسی فرآیند عرضه، میزان تعهدات خودروساز را نیز بررسی می‌کند و همه خودروسازان باید همین مسیر را طی کنند. اینکه یک خودروساز تعهد معوق نداشته باشد، موجب نمی‌شود بتواند خودروها را خارج از فرآیند پذیرفته‌شده عرضه کند.

موج خبر

چرا پیاز، سیب‌زمینی و گوجه گران شدند؟

افزایش قیمت پیاز، سیب‌زمینی و گوجه‌فرنگی در روزهای اخیر، بار دیگر بازار محصولات پرمصرف خانوار را ملتهب کرد؛ به‌طوری که قیمت عمده‌فروشی برخی از این محصولات نیز به ارقام قابل توجهی رسید. کاهش عرضه، افت سطح زیرکشت، افزایش هزینه‌های تولید و مهم‌تر از همه، نبود برنامه‌ریزی منسجم برای صادرات و تأمین نیاز بازار داخلی، از جمله دلایل این گرانی است. بررسی نرخ‌های عمده‌فروشی اعلام‌شده از سوی میدان بزرگ میوه و تره‌بار تهران برای هفته منتهی به اول آذر ۱۴۰۵ نشان می‌دهد هر کیلوگرم قیمت پیاز سفید ۶۹ هزار تومان و پیاز زرد و قرمز ۱۰۹ هزار تومان است. قیمت سیب‌زمینی نیز به ۷۶ هزار تومان رسیده و گوجه‌فرنگی بوته‌رس ۸۵ هزار تومان و نوع گلخانه‌ای آن ۷۹ هزار تومان عرضه شده است. این ارقام مربوط به نرخ‌های عمده‌فروشی و میادین است و قیمت در خرده‌فروشی‌ها با احتساب هزینه توزیع و حاشیه سود بالاتر است؛ به طوری که قیمت پیاز تا ۱۴۰ هزار تومان و گوجه‌فرنگی تا ۱۸۰ و ۲۰۰ هزار تومان در هر کیلوگرم رسید.

اکبر یاوری، رئیس اتحادیه صنف بارفروشان تهران، نبود برنامه‌ریزی دقیق برای صادرات محصولات کشاورزی را یکی از عوامل اصلی افزایش قیمت‌ها عنوان کرد و گفت: ذخایر انبارهای پیاز نسبت به سال گذشته ۵۰ درصد کاهش یافته و سطح زیرکشت این محصول نیز به دلیل افزایش هزینه نهاده‌ها، مشکلات تأمین برق و زیان کشاورزان در سال گذشته، حدود سه هزار هکتار کمتر شده است.

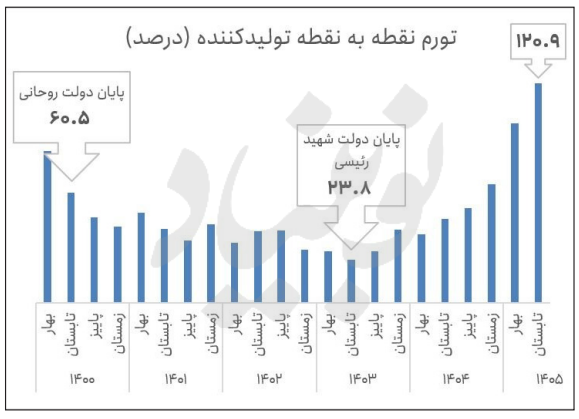
او از ضعف نظارت بر صادرات انتقاد کرد و افزود: در شرایطی که قرار بود صادرات پیاز از پنج استان با سقف هزار تن در هفته انجام شود، روزانه حدود ۲ هزار تن یا حتی بیشتر از این محصول از کشور خارج شد. وی درباره گوجه‌فرنگی نیز با اشاره به تأمین بازار از استان فارس، بیان کرد: صادرات باید پس از آغاز برداشت در مناطقی مانند بهبهان، دیرو بوشهر و تأمین نیاز داخل انجام شود. به گفته او، گوجه‌فرنگی در میدان بار کیلویی ۷۰ تا ۸۰ هزار تومان قیمت دارد، اما مصرف‌کننده باید حدود ۱۲۰ هزار تومان برای آن بپردازد.

پس از افزایش قیمت‌ها، دولت صادرات این سه محصول را ممنوع کرد. دفتر مقررات صادرات و واردات سازمان توسعه تجارت، ممنوعیت صادرات انواع پیاز، سیب‌زمینی و گوجه‌فرنگی را تا اطلاع ثانوی به گمرکات اجرایی ابلاغ کرد. با این حال، ممنوعیت صادرات به‌تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده کاهش قیمت‌ها باشد. تجربه بازار محصولات کشاورزی نشان داده است که تصمیم‌های مقطعی و بخشنامه‌های متغیر، بدون برنامه‌ریزی برای تولید، ذخیره‌سازی و توزیع، نمی‌تواند ثبات بلندمدت ایجاد کند.

بررسی گزارش مرکز آمار، اثر سیاست ارزی دولت چهاردهم بر تولید را نشان می‌دهد؛

تورم تولید از ۱۲۰ درصد گذشت

تولید در اقتصاد ایران این روزها با فشار سنگین افزایش هزینه‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ فشاری که در کنار تحریم‌ها، مشکلات تأمین مالی و ناترازی‌های اقتصادی، از سیاست‌های ارزی نیز تأثیر پذیرفته است. گزارش مرکز آمار ایران از شاخص قیمت تولیدکننده در تابستان امسال نشان می‌دهد تورم نقطه‌به‌نقطه تولیدکننده به ۱۲۰.۹ درصد رسیده است؛ به این معنا که میانگین قیمت دریافتی تولیدکنندگان برای محصولاتشان در یک سال منتهی به پایان تابستان امسال ۱۲۰.۹ درصد افزایش یافته است. این رقم در بخش صنعت به ۱۴۷.۳ درصد می‌رسد.



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

برای بررسی دلایل افزایش قیمت‌ها در بخش تولید باید به مسیر سیاست ارزی دولت چهاردهم از ابتدای فعالیت آن بازگشت. بررسی سیاست ارزی دولت پزشکیان نشان می‌دهد از آغاز فعالیت دولت مسعود پزشکیان، مسیر تأمین ارز و واردات و تولید به‌تدریج دستخوش تغییر شده است. افزایش نرخ ارز در سامانه نیما، حرکت به سمت نرخ‌های توافقی، اجرای سیاست ارز تک‌نرخی در نیمه دی‌ماه سال گذشته و افزایش روزانه نرخ ارز رسمی توسط بانک مرکزی در سال جاری (دلار مرکز مبادله به بالای ۱۹۴ هزار تومان رسید)، مجموعه تصمیم‌هایی هستند که هزینه واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای، قطعات و تجهیزات را افزایش داده‌اند. اگرچه دولت این اقدامات را با هدف کاهش رانت ارزی و نزدیک کردن نرخ‌های رسمی به بازار اجرا کرده است، اما نتیجه این تغییرات برای بنگاه‌های تولیدی، افزایش هزینه تأمین نهاده‌ها و نیاز بیشتر به سرمایه در گردش بوده است.

براساس گزارش مرکز آمار ایران، شاخص کل قیمت تولیدکننده در تابستان سال جاری به ۷۵۱.۶ واحد رسید. تورم فصلی تولیدکننده ۲۲.۴ درصد، تورم نقطه‌به‌نقطه ۱۲۰.۹ درصد و تورم سالانه ۸۷.۳ درصد اعلام شده است. مقایسه این ارقام با فصل بهار نشان می‌دهد اگرچه تورم فصلی از ۲۸.۳ درصد به ۲۲.۴ درصد کاهش یافته، اما تورم نقطه‌ای از ۹۸.۹ درصد به ۱۲۰.۹ درصد و تورم سالانه از ۶۶.۷ درصد به ۸۷.۳ درصد افزایش پیدا کرده است. البته کاهش تورم فصلی به معنای کاهش قیمت کالاهای تولیدی نیست، بلکه فقط نشان می‌دهد سرعت رشد قیمت‌ها نسبت به فصل قبل کمتر شده است. در واقع، قیمت‌های دریافتی تولیدکنندگان نسبت به سال گذشته جهش داشته و هم‌زمان افزایش نرخ ارز، هزینه جایگزینی مواد اولیه و قطعات وارداتی را بالا برده است.

در میان بخش‌های اصلی اقتصاد، صنعت با تورم فصلی ۲۸ درصدی، تورم نقطه‌ای ۱۴۷.۳ درصدی و تورم سالانه ۹۷.۳ درصدی در صدر قرار دارد. کشاورزی نیز با ثبت تورم سالانه ۱۰۸.۸ درصدی، بالاترین نرخ تورم سالانه را در میان بخش‌های اصلی تجربه کرده است. تورم نقطه‌ای معدن ۱۰۷.۷ درصد، تولید و توزیع برق ۱۱۱.۲ درصد و خدمات ۶۷.۵ درصد بوده است. در بخش معدن نیز تورم نقطه‌به‌نقطه استخراج کانه‌های فلزی به ۱۱۵.۹ درصد رسیده است. تورم فصلی این گروه ۲۶.۹ درصد و تورم سالانه آن ۸۲.۱ درصد بوده است. در مقابل، استخراج سایر معادن تورم نقطه‌ای ۵۱.۴ درصدی و تورم سالانه ۴۰.۴ درصدی داشته است. این اختلاف نشان می‌دهد افزایش قیمت در فعالیت‌های معدنی یکسان نبوده و استخراج کانه‌های فلزی با فشار قیمتی بیشتری مواجه شده است. در بخش تولید، انتقال و توزیع برق نیز تورم نقطه‌به‌نقطه به ۱۱۱.۲ درصد رسیده است. تورم فصلی این بخش ۲۴.۴ درصد و تورم سالانه آن ۷۶.۸ درصد اعلام شده است.

این آمار از افزایش قابل توجه قیمت تولید برق حکایت دارد؛ موضوعی که در کنار محدودیت‌های تأمین انرژی و ناترازی برق، اهمیت هزینه انرژی را برجسته می‌کند.

تورم ۱۶۹ درصدی برای شیمیایی‌ها

یکی از مهم‌ترین پیامدهای افزایش نرخ ارز، انتقال هزینه به بخش تولید است. در اقتصادی مانند ایران که بسیاری از صنایع برای تأمین مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای به واردات وابسته‌اند، افزایش نرخ ارز به‌طور مستقیم هزینه ریالی واردات را بالا می‌برد. این موضوع فقط به کالاهایی که مستقیماً وارداتی هستند محدود نمی‌شود؛ زیرا افزایش قیمت مواد اولیه وارداتی، هزینه تولید محصولات داخلی را نیز افزایش می‌دهد. برای مثال، صنایع شیمیایی، دارویی، غذایی، خودروسازی، لاستیک و پلاستیک، تجهیزات برقی و ماشین‌آلات، هرکدام به درجات مختلف از تغییر نرخ ارز تأثیر می‌پذیرند. افزایش قیمت مواد شیمیایی هزینه تولید صنایع پایین‌دستی را بالا می‌برد و رشد قیمت قطعات و تجهیزات وارداتی نیز هزینه تعمیر، نگهداری و توسعه خطوط تولید را افزایش می‌دهد. آمار مرکز آمار نیز از افزایش شدید قیمت‌ها در این گروه‌ها حکایت دارد. تورم نقطه‌ای تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی در تابستان امسال به ۱۶۹.۳ درصد رسید. این رقم در تولید لاستیک و محصولات پلاستیکی ۱۸۱.۳ درصد، در محصولات کاغذی ۱۶۰.۱ درصد و در تولید تجهیزات برقی ۱۴۷ درصد بوده است. در صنایع غذایی نیز تورم نقطه‌ای به ۱۳۷.۲ درصد رسید. در گروه تولید کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت نیز تورم فصلی ۸۰.۲ درصدی ثبت شده است؛ رقمی که این گروه را به یکی از کانون‌های اصلی افزایش قیمت در تابستان تبدیل کرده است. تورم نقطه‌ای این گروه نیز ۱۹۹.۱ درصد بوده است.

در میان گروه‌های صنعتی، تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو نیز افزایش قابل توجهی در قیمت‌ها را تجربه کرد. تورم نقطه‌به‌نقطه این گروه در تابستان به ۲۱۶.۸ درصد رسیده و بالاترین رقم در میان گروه‌های صنعتی را به خود اختصاص داده است. تورم فصلی این گروه ۱۹.۴ درصد و تورم سالانه آن ۱۲۶ درصد بوده است. به این ترتیب، هزینه تولید این محصولات در مقایسه با تابستان سال گذشته بیش از سه برابر شده است. این ارقام نشان می‌دهد افزایش قیمت‌ها در بخش تولید به چند صنعت محدود نمانده و طیف وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی را دربر گرفته است. در بخش خدمات نیز برخی گروه‌ها افزایش قیمت قابل توجهی را تجربه کرده‌اند. فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی با تورم فصلی ۴۵.۲ درصدی در صدر گروه‌های خدماتی قرار دارند. تورم نقطه‌به‌نقطه این گروه ۹۴.۵ درصد و تورم سالانه آن ۶۶.۵ درصد بوده است. همچنین خدمات آبرسانی، مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه با تورم فصلی ۳۷.۵ درصدی و تورم نقطه‌ای ۳۸.۲ درصدی مواجه شده‌اند. در بخش حمل‌ونقل و انبارداری نیز تورم نقطه‌ای ۹۰.۴ درصد و تورم سالانه ۷۰.۷ درصد ثبت شده است. این ارقام نشان می‌دهد افزایش قیمت‌ها به بخش خدمات پشتیبان تولید و جابه‌جایی کالا نیز رسیده است.

تورم تولید چگونه به سفره خانوار می‌رسد؟

افزایش هزینه تولید با گذشت زمانی کوتاه به مصرف‌کننده منتقل می‌شود؛ بنابراین تداوم تورم بالای تولیدکننده فشار قابل توجهی بر قیمت کالاهای مصرفی و سفره خانوارها ایجاد می‌کند. وقتی تولیدکننده برای تأمین مواد اولیه، قطعات و نهاده‌های خود هزینه بیشتری می‌پردازد، در نهایت برای تداوم فعالیت و جبران هزینه‌ها ناچار به اصلاح قیمت فروش است. در شرایطی که توان مالی بسیاری از بنگاه‌ها محدود است، امکان جذب طولانی‌مدت این افزایش هزینه وجود ندارد؛ بنابراین فشار هزینه‌ای به بازار مصرف منتقل خواهد شد. این موضوع در صنایع غذایی اهمیت بیشتری دارد؛ چراکه تورم نقطه‌ای تولید محصولات غذایی در تابستان امسال به ۱۳۷.۲ درصد رسیده است. همچنین تورم سالانه کشاورزی ۱۰۸.۸ درصد اعلام شد. افزایش هزینه تولید در این دو بخش می‌تواند زنجیره تولید و عرضه مواد غذایی را تحت فشار قرار دهد و در نهایت بر هزینه تأمین کالاهای اساسی خانوارها اثر بگذارد. در بخش کشاورزی نیز افزایش قیمت‌ها در برخی گروه‌ها به سطح قابل توجهی رسیده است. تورم سالانه تولید غلات در تابستان امسال ۱۳۲.۷ درصد بوده است؛ هرچند تورم فصلی این گروه ۱۴.۲ درصد و تورم نقطه‌به‌نقطه آن ۱۱۵.۸ درصد ثبت شده است. همچنین تورم نقطه‌ای باغداری به ۱۲۰.۵ درصد و تورم سالانه آن به ۱۱۲.۹ درصد رسیده است. در گروه پرورش حیوانات نیز تورم نقطه‌ای ۱۲۹.۳ درصد و تورم سالانه ۱۱۰.۱ درصد گزارش شده است. این ارقام نشان می‌دهد افزایش قیمت‌ها در بخش کشاورزی تنها به یک محصول یا نهاده محدود نیست و فعالیت‌های مختلف زنجیره تأمین مواد غذایی را دربر گرفته است. در تابستان امسال تورم فصلی دامداری صنعتی منفی ۲.۹ درصد و مرغداری صنعتی منفی ۱۱.۶ درصد ثبت شد؛ به این معنا که هزینه تولید این دو گروه نسبت به فصل بهار کمتر شده است. با این حال، تورم نقطه‌به‌نقطه دامداری صنعتی همچنان ۱۳۴.۶ درصد و تورم سالانه آن ۱۲۳.۸ درصد بود. در مرغداری صنعتی نیز تورم نقطه‌ای به ۱۲۶.۱ درصد و تورم سالانه به ۱۲۳.۶ درصد رسیده است.

آنچه از بررسی آمار مرکز آمار و روند تصمیم‌های ارزی دولت چهاردهم به دست می‌آید، این است که افزایش نرخ ارز در کنار عوامل دیگری مانند جنگ و تحریم، به یکی از علت‌های اصلی افزایش هزینه در بخش تولید تبدیل شده است. کارشناسان تأکید دارند که افزایش نرخ ارز نمی‌تواند مشکلات ساختاری اقتصاد ایران را حل کند. اکنون تورم ۱۲۱ درصدی تولید و تورم ۱۴۷.۳ درصدی صنعت، تصویری روشن از افزایش شدید قیمت‌ها در بنگاه‌ها و کارخانه‌ها نشان می‌دهد.

نوبنیاد از آخرین وضعیت هیئت‌مدیره هلدینگ خلیج فارس گزارش می‌دهد؛

حکم انفصال وزیر دولت روحانی به کجا رسید؟

پرونده محمد شریعتمداری، از حاشیه ثبت سفارش خودرو در وزارت صمت و حضور در کابینه دولت روحانی تا مدیریت بزرگ‌ترین هلدینگ پتروشیمی کشور، پس از کشمکش‌های مدیریتی با صدور حکم قطعی انفصال از خدمات دولتی وارد مرحله تازه‌ای شده است. قوه قضائیه بر لزوم اجرای حکم تأکید دارد و دیوان محاسبات ادامه فعالیت او را در هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس را غیرقانونی اعلام کرد. با این حال وزارت نفت به اجرای قانون و معرفی جانشین متعهد شده، اما کشمکش‌ها بر سر تغییرات هیئت‌مدیره همچنان ادامه دارد.



هادی مولایی
روزنامه‌نگار

پرونده مدیریت محمد شریعتمداری در هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس را نمی‌توان صرفاً یک اختلاف مدیریتی بر سر صندلی مدیرعاملی یکی از بزرگ‌ترین بنگاه‌های اقتصادی کشور دانست. این پرونده که از آذر ۱۴۰۳ و هم‌زمان با ورود وزیر دولت حسن روحانی به رأس هلدینگ آغاز شد، به‌تدریج به مناقشه‌ای میان مدیرعامل، وزارت نفت، صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت و نهادهای نظارتی تبدیل شد. اکنون نیز با قطعی شدن حکم یک‌سال انفصال او از خدمات دولتی، موضوع از اختلافات مدیریتی فراتر رفته و به آزمونی برای اجرای تصمیمات نهادهای نظارتی از سوی دولت تبدیل شده است.

شریعتمداری پیش از ورود به هلدینگ خلیج فارس، سابقه حضور در دولت‌های اصلاح‌طلب و مسئولیت در وزارتخانه‌های اقتصادی را در کارنامه داشت؛ از وزارت بازرگانی در دولت اصلاحات تا وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دولت حسن روحانی در پرونده کاری او ثبت شده است. با این حال، کارنامه او در دولت دوازدهم خالی از حاشیه نبود و پرونده ثبت سفارش غیرقانونی خودرو در دوره وزارت صمت او، یکی از مهم‌ترین اتفاقات آن سال‌ها به شمار می‌رود. شریعتمداری در مرداد ۱۳۹۶ به وزارت صنعت، معدن و تجارت رسید؛ وزارتخانه‌ای که در آن دوره با مشکلات تولید، نوسانات بازار ارز و حاشیه‌های واردات خودرو در دولت روحانی مواجه بود. یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های دوران وزارت او، ثبت سفارش غیرقانونی ۶۴۸۱ دستگاه خودروی خارجی (وارداتی) در زمان توقف سامانه ثبت سفارش بود؛ پرونده‌ای که بعدها در گزارش تحقیق و تفحص مجلس نیز مورد بررسی قرار گرفت و وجود تخلف را تأیید کرد. وزارت صمت در خرداد ۱۳۹۷ نیز در اطلاعیه‌ای، تخلف در ثبت سفارش این تعداد خودرو را تأیید کرد. سرانجام شریعتمداری در مهر ۱۳۹۷ با بالا گرفتن انتقادها از عملکردش از وزارت صمت کنار رفت. طرح استیضاح او در دستورکار مجلس بود، اما پیش از آن‌که استیضاح به صحن علنی برسد، استعفا داد و حسن روحانی آن را پذیرفت. سپس با معرفی روحانی و رأی مجلس، به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی رسید. او تا پایان دولت دوازدهم در این مسئولیت باقی ماند؛ وزارتخانه‌ای که مجموعه گسترده‌ای از صندوق‌های بازنشستگی و شرکت‌های اقتصادی را زیرمجموعه خود دارد.

دستور پزشکیان برای شریعتمداری

شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس، بزرگ‌ترین هلدینگ پتروشیمی کشور و یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های صنعتی و صادراتی کشور است که دارایی‌های گسترده، شرکت‌های زیرمجموعه، پروژه‌های سرمایه‌گذاری دارد. ۱۲ آذر ۱۴۰۳، (سه ماه بعد از تشکیل دولت پزشکیان) هیئت‌مدیره شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس، محمد شریعتمداری را به‌عنوان مدیرعامل جدید این مجموعه انتخاب کرد و او جایگزین عبدالعلی علی عسکری شد. شریعتمداری پیش از این انتصاب، به‌عنوان نماینده صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت وارد هیئت‌مدیره شده بود. با این حال اختلاف وزارت نفت و محمد شریعتمداری بر سر مدیریت هلدینگ خلیج فارس، از خردادماه امسال علنی شد. ماجرا زمانی جدی‌تر شد که وزارت نفت به مدیریت محسن پاک‌نژاد، حسن عباس‌زاده، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، را به‌عنوان جایگزین شریعتمداری مطرح کرد و دوم تیرماه خبر انتصاب او از سوی رسانه رسمی وزارت نفت (شانا) منتشر شد. اما روابط عمومی صنایع پتروشیمی خلیج فارس در ۴ تیرماه، تغییر مدیرعامل را تکذیب کرد و اعلام کرد: هرگونه تغییر باید از مسیر هیئت‌مدیره قانونی و با رعایت مقررات سازمان بورس انجام شود. این اختلاف در نامه‌نگاری میان صندوق بازنشستگی صنعت نفت و محسن پاک‌نژاد، وزیر سابق نفت، نیز خود را نشان داد. رئیس وقت هیأت‌مدیره صندوق در نامه‌ای به تاریخ ۲۶ خرداد ۱۴۰۵، روند تغییرات را غیرقانونی عنوان بود. اما با کنار رفتن محسن پاک‌نژاد از وزارت نفت، ماجرای این هلدینگ پیچیده‌تر شد. سازمان بورس نیز ۲۴ مردادماه، صلاحیت حرفه‌ای اعضای پیشنهادی جدید برای هیئت‌مدیره هلدینگ خلیج فارس را بررسی و اعلام کرد. پس از آن، شریعتمداری در نامه‌ای به رئیس سازمان بورس، با اشاره به دستور ۶ تیرماه دفتر رئیس جمهور خطاب به وزیر نفت، تأکید کرد که طبق دستور مسعود پزشکیان، تمامی اقدامات، تصمیمات و ابلاغ‌های مربوط به تغییر مدیریت هلدینگ باید تا اطلاع ثانوی متوقف و وضعیت مدیریتی به شرایط پیش از تغییرات بازگردانده شود. او از رئیس سازمان بورس خواست پیش از هرگونه اقدام درباره اعضای جدید هیئت‌مدیره، موضوع را مستقیماً از دفتر رئیس جمهور استعلام کند.

حکم انفصال شریعتمداری تایید شد

در کنار اختلافات مدیریتی، پرونده‌ای در دیوان محاسبات جریان داشت که سرانجام به صدور حکم یک‌سال انفصال موقت از خدمات دولتی برای محمد شریعتمداری و عبدالعلی علی عسگری منتهی شد. این پرونده در دیوان محاسبات تشکیل شده بود. هیأت دوم مستشاری دیوان محاسبات ۲۹ تیر ۱۴۰۴، این دو مدیر را به یک سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم کرد. پس از اعتراض محکومان و درخواست اعاده دادرسی، ۱۹ مرداد امسال شعبه تجدیدنظر دیوان محاسبات درخواست آنها را رد کرد و به این ترتیب حکم اولیه قطعی و لازم‌الاجرا شد.

قوه قضائیه: حکم باید اجرا شود

سیدعلی کاظمی، سخنگوی قوه قضائیه، سه‌شنبه هفته گذشته در نشست خبری خود درباره حکم انفصال شریعتمداری از مدیرعامل هلدینگ خلیج فارس گفت: حکم انفصال این فرد از سوی دیوان محاسبات قطعی شده و حاکم شرع دیوان محاسبات نیز آن را تأیید کرده است. او افزود: سازمان بازرسی کل کشور پیگیری‌های لازم برای اجرای حکم را انجام داده است. این رأی از نظر قانونی لازم‌الاجراست و فرد مورد نظر باید از مسئولیت خود کنار گذاشته شود. کاظمی با تأکید بر نظارت بر اجرای حکم اعلام کرد: نظارت‌های لازم برای اجرای حکم صورت خواهد گرفت و در این زمینه هیچ تردیدی وجود ندارد.

قول وزیر نفت برای برکناری وزیر روحانی

دیوان محاسبات کشور نیز دیروز تأکید کرد که حکم انفصال محمد شریعتمداری باید فوراً اجرا شود. حجت‌الاسلام والمسلمین صادق رحیمی، رئیس محکمه تجدیدنظر و حاکم شرع دیوان محاسبات، در گفت‌وگو با حمید بورد سرپرست وزارت نفت، بر ضرورت اجرای فوری حکم انفصال محمد شریعتمداری، مدیرعامل هلدینگ خلیج فارس، تأکید کرد. وی با غیرقانونی دانستن ادامه فعالیت شریعتمداری در مدیریت هلدینگ خلیج فارس، تصریح کرد: از زمان صدور و ابلاغ حکم انفصال، هرگونه مداخله، اعمال اختیار، امضا و اقدام اداری یا مالی از سوی نامبرده، فاقد وجاهت قانونی بوده و می‌تواند مصداق دخل و تصرف غیرمجاز در اموال عمومی تلقی شود. رئیس محکمه تجدیدنظر و حاکم شرع دیوان محاسبات همچنین مسئولیت مستقیم هرگونه تأخیر یا استنکاف از اجرای حکم و استمرار اقدامات مورد اشاره را متوجه سرپرست وزارت نفت دانست و بر لزوم اتخاذ تدابیر فوری برای جلوگیری از هرگونه اقدام مغایر با مفاد حکم تأکید کرد. رحیمی با تأکید بر ضرورت اجرای بی‌درنگ این تصمیم تاکید کرد که موضوع باید فوراً تعیین تکلیف و حکم صادرشده بدون هرگونه تأخیر اجرایی شود. در جریان این گفت‌وگو، بورد، سرپرست وزارت نفت، نیز ضمن اعلام تعهد به اجرای حکم صادرشده، تأکید کرد که فرآیند اجرای آن در دستور کار فوری است و فرد جایگزین برای تصدی مسئولیت مربوطه، در اسرع وقت معرفی خواهد شد.

سه کرسی هیئت‌مدیره در انتظار تعیین تکلیف

هم‌زمان با تاکید قوه قضائیه و دیوان محاسبات کشور، موضوع ترکیب هیئت‌مدیره هلدینگ خلیج فارس نیز وارد مرحله تازه‌ای شد. سخاوت اسدی، رئیس هیئت‌رئیسه صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت، ۲۷ آبان امسال طی نامه‌ای به رئیس سازمان بورس نوشت: عضویت حسن عباس‌زاده، محمود امین‌نژاد و محمدمهدی مؤمن‌زاده به‌عنوان نمایندگان حقیقی شرکت سرمایه‌گذاری اهداف وابسته به صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت در هیئت‌مدیره شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس، تا اطلاع ثانوی متوقف شده تا نسبت به بازبینی و معرفی مجدد افراد اقدام شود. با این حال هلدینگ خلیج فارس یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های اقتصادی کشور است و عملکرد آن در تولید محصولات پتروشیمی، صادرات غیرنفتی، تأمین ارز و سرمایه‌گذاری صنعتی اهمیت فراوانی دارد. استمرار بلاتکلیفی در رأس چنین مجموعه‌ای، می‌تواند بر تصمیمات اقتصادی، اعتماد سهامداران و روند اجرای پروژه‌های صنعتی اثرگذار باشد. در این میان وزارت نفت نمی‌تواند مسئولیت اجرای حکم به تاخیر بیندازد. حکم انفصال شریعتمداری اکنون به آزمونی برای اجرای بدون تبعیض قانون برای دولت تبدیل شده است.

نبض اقتصاد

نفت دوباره به بورس بازمی‌گردد

دولت چهاردهم قصد دارد با دیگر مسیر عرضه نفت در بورس را احیا کند؛ با این تفاوت که این بار قرار است گواهی سپرده نفت خام در بورس انرژی عرضه شود تا علاوه بر فعالان اقتصادی، مردم نیز امکان ورود به معاملات نفت را داشته باشند. خبر بازگشت نفت به بورس را حمید بورد، سرپرست وزارت نفت، دیروز در نشست با فعالان صنعتی در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران اعلام کرد. او گفت: تدابیر لازم برای عرضه گواهی سپرده نفت در بورس اتخاذ شده است و در روزهای آینده از ظرفیت بورس برای فروش نفت استفاده خواهیم کرد. بورد، استفاده از ظرفیت بخش خصوصی را یکی از راه‌های تقویت صنعت نفت دانست و افزود: در حوزه‌های تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، تقویت ساختار فروش نفت و بهینه‌سازی مصرف انرژی می‌توان از ظرفیت اتاق بازرگانی استفاده کرد.

همزمان با این اظهارات، حجت‌الله صیدی، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار از توافق برای ورود دوباره نفت به بازار سرمایه خبر داد. او در مراسم اختتامیه دومین همایش سالانه بازار سرمایه ایران گفت: در بورس انرژی اتفاقات خوبی افتاد و به صندوق‌های انرژی افزوده و تلاش شد تا نفت و فرآورده‌های نفتی بتوانند به بورس انرژی بیاید؛ هفته گذشته تقریبا توافق کلی حاصل شد و ممکن است به زودی نفت در بورس انرژی مورد معامله قرار گیرد؛ در تمام دنیا کالاهای استراتژیک در بورس‌های کالایی عرضه می‌شود.

براساس اعلام مدیرعامل بورس انرژی، پس از مصوبه دولت، گواهی سپرده نفت خام در این بازار عرضه خواهد شد و مردم با داشتن کد معاملاتی و کد سجامی می‌توانند به خرید و فروش این اوراق بپردازند. به این ترتیب، بازار نفت که سال‌ها عمدتا در اختیار شرکت‌های بزرگ و خیداران عمده بوده، می‌تواند میزبان سرمایه‌گذاران خرد نیز باشد.

البته این نخستین بار نیست که دولت برای فروش نفت به سراغ بورس می‌رود. نخستین عرضه نفت خام در بورس کالا در تیرماه ۱۳۹۰ انجام شد، اما به دلیل مشکلات مالی، ضمانت‌نامه‌ها و سازوکار تسویه، این تجربه به نتیجه مورد انتظار نرسید. در فروردین ۱۳۹۳ نیز شرکت ملی نفت ایران عرضه نفت خام را در بورس انرژی آغاز کرد. از مجموع ۱۷۸ هزار و ۱۲۰ بشکه نفت عرضه‌شده در آن دوره، تنها ۱۱ هزار و ۸۲۶ بشکه به فروش رسید. با تشدید تحریم‌های آمریکا در سال ۱۳۹۷، عرضه نفت در بورس بار دیگر در دستور کار قرار گرفت. این بار هدف، استفاده از توان شرکت‌های خصوصی برای صادرات نفت و کاهش وابستگی به مسیرهای سنتی فروش بود. در نخستین عرضه، از یک میلیون بشکه نفت خام سبک، ۲۸۰ هزار بشکه و در عرضه دوم، ۷۰۰ هزار بشکه معامله شد. در مجموع نزدیک به ۹۸۰ هزار بشکه نفت در این دو مرحله به فروش رسید، اما ادامه مسیر با موانع مالی، صادراتی و اجرایی روبه‌رو شد و بورس به کانالی پایدار برای صادرات نفت تبدیل نشد.

اکنون دولت چهاردهم با استفاده از ابزار گواهی سپرده نفت به دنبال تجربه‌ای متفاوت است. این گواهی‌ها می‌توانند امکان مشارکت سرمایه‌گذاران در بازار نفت را بدون ضرورت خرید مستقیم محموله‌های بزرگ فراهم کنند. از سوی دیگر، عرضه این اوراق در صورت طراحی درست، می‌تواند بخشی از نقدینگی جامعه را به سمت تأمین مالی صنعت نفت هدایت کند؛ صنعتی که برای توسعه میادین، نگهداشت تولید و تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام به منابع مالی قابل توجهی نیاز دارد. ورود بخش خصوصی به معاملات نفت نیز می‌تواند به تنوع‌بخشی روش‌های فروش و کاهش تمرکز بر کانال‌های محدود صادراتی کمک کند. با این حال، تجربه‌های قبلی نشان داده است که تحریم‌ها، دشواری نقل‌وانتقال ارز، هزینه حمل‌ونقل و بیمه، قیمت‌گذاری و نبود تضمین کافی برای تحویل و تسویه، همچنان موانع جدی پیش روی این سیاست هستند.

یادداشت

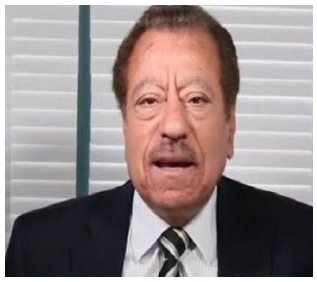
پاتریوت در بن‌بست تولید

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

آمریکا که سال‌ها با نمایش زرادخانه‌های عظیم و فروش تسلیحات چند میلیارد دلاری، خود را قدرت بلامنازع نظامی جهان معرفی می‌کرد، اکنون با بحرانی مواجه شده که ابعاد آن حتی در جلسات کنگره نیز آشکار شده است. کمبود یک ماده اولیه برای ساخت موشک‌های پاتریوت، کاهش نگران‌کننده ذخایر رهگیرهای دفاعی و اعتراف مقام ارشد نیروی دریایی آمریکا به استفاده از مهمات تاریخ‌گذشته، تصویر متفاوتی از توان صنعتی واشنگتن ترسیم می‌کند.
جنگ علیه ایران نه‌تنها ذخایر تسلیحاتی آمریکا را تحت فشار قرار داده، بلکه ضعف‌های انباشته در زنجیره تولید تسلیحات این کشور را نیز آشکار کرده است. ماجرای تازه از یک کارخانه تولید پارچه در فرانسه آغاز می‌شود. روزنامه وال استریت ژورنال ۱۸ نوامبر گزارش داد که تلاش پنتاگون برای افزایش تولید موشک‌های رهگیر پاتریوت با کمبود نوع خاصی از الیاف ریون کربنی شده مواجه شده است. ماده‌ای مقاوم در برابر حرارت شدید که در ساخت نازل موتور موشک کاربرد دارد.
براساس این گزارش، تنها یک محصول تأییدشده از این ماده برای پیشرفته‌ترین رهگیرهای پاتریوت وجود دارد که شرکت فرانسوی آریان گروپ آن را تولید می‌کند و شرکت **ParkAerospace** در کانزاس فرآوری آن را بر عهده دارد. محدودیت عرضه این ماده، به گلوگاهی در مسیر افزایش تولید پاتریوت تبدیل شده است. برایان شور، مدیرعامل شرکت آمریکایی، نیز تأکید کرده که نمی‌توان تأمین‌کننده فرانسوی را با اعمال فشار به افزایش تولید وادار کرد.
اما مشکل آمریکا صرفاً کمبود یک ماده اولیه نیست. گزارش وال استریت ژورنال نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد تأمین‌کنندگان رده دوم موشک‌های پاتریوت، در زنجیره تأمین سامانه تاد نیز حضور دارند. به این معنا که اختلال در تولید یک قطعه می‌تواند هم‌زمان چند برنامه مهم دفاع موشکی را گرفتار کند.
اعتراف تکان‌دهنده‌تر از داخل سنا بیرون آمد. هانگ کائو، سرپرست وزارت نیروی دریایی آمریکا، ۱۷ نوامبر در جلسه کمیته نیروهای مسلح سنا اذعان کرد که نیروی دریایی در جنگ علیه ایران از برخی مهمات منقضی‌شده استفاده کرده است. وی توضیح داد این مهمات پس از تغییر کد وضعیت، دوباره قابل استفاده شناخته شدند. کائو برای توصیف این اقدام حتی به مثال نان بیات متوسل شد و گفت همان‌طور که می‌توان نان مانده را با آب و مایکروویو دوباره مصرف کرد، برخی مهمات قدیمی نیز مجدداً مورد استفاده قرار گرفته‌اند.
ابعاد بحران زمانی روشن‌تر می‌شود که به آمار مصرف موشک‌ها نگاه کنیم. گزارش اکتبر سرویس تحقیقات کنگره آمریکا، به نقل از مقامات این کشور، از مصرف حدود ۱۷۰۰ رهگیر پاتریوت، ۲۰۰ رهگیر تاد و ۱۵۰ رهگیر از خانواده موشک‌های استاندارد خبر داد. دفتر بودجه کنگره نیز برآورد کرده که جایگزینی برخی رهگیرهای مصرف‌شده، حتی با افزایش تولید، دست‌کم پنج سال زمان خواهد برد.
کمبود پاتریوت دیگر صرفاً یک هشدار رسانه‌ای نیست. آموشیتد پرس به نقل از یک مقام نظامی آمریکا و یک مقام ناتو گزارش داد که کمبود موشک‌های پاتریوت در اروپا به سطحی فراتر از وضعیت بحرانی رسیده است. مقام آمریکایی هشدار داد ذخایر موجود برای مقابله با حمله موشکی بالستیک مستمر کافی نیست. در داخل کنگره نیز هشدارها صریح بوده است. جک رید، سناتور دموکرات و عضو ارشد کمیته نیروهای مسلح سنا اعلام کرد جبران مهمات مصرف‌شده و خسارت‌های عملیات علیه ایران سال‌ها زمان خواهد برد.
تناقض واشنگتن اکنون آشکارتر از همیشه است. قدرتی که مدعی توانایی اداره هم‌زمان جنگ در چند جبهه است، برای افزایش تولید موشک‌های دفاعی به زنجیره تأمین خارجی وابسته شده و هم‌زمان ناچار است برای بازسازی ذخایر خود میلیاردها دلار دیگر هزینه کند. مسئله فقط کمبود پاتریوت نیست. فاصله میان سرعت مصرف تسلیحات و توان جایگزینی آنهاست. شکافی که با ادامه جنگ می‌تواند به یکی از مهم‌ترین چالش‌های راهبردی ارتش آمریکا تبدیل شود.

بین الملل

عطوان: ایران طی روزهای آینده از غافلگیری بزرگ خود رونمایی می‌کند



عبدالباری عطوان، تحلیلگر مسائل راهبردی منطقه نوشت که ایران با ناکام گذاشتن اهداف آمریکا و رژیم صهیونیستی، اکنون از موضع قدرت تحولات جنگ را دنبال می‌کند و احتمالاً طی روزهای آینده از غافلگیری بزرگی رونمایی خواهد کرد.
عطوان بازگشت ترامپ به موضوع برنامه هسته‌ای ایران و درخواست انتقال اورانیوم غنی‌شده بالای ۶۰ درصد به خارج از کشور را نشانه ناکامی گزینه نظامی دانست.
وی تأکید کرد ایران با تکیه بر توان موشکی و پهپادی خود، برتری هوایی آمریکا و اسرائیل را به چالش کشیده و حاضر به عقب‌نشینی از مواضع هسته‌ای خود نیست.
به نوشته عطوان، تهران هفت شرط از جمله توقف جنگ، پایان تحریم‌ها و آزادسازی دارایی‌های مسدودشده را برای بازگشایی تنگه هرمز مطرح کرده است.
این تحلیلگر همچنین مدعی شد راهبرد جدید ایران، گسترش دامنه پاسخ نظامی و عملیات سایبری علیه اهداف آمریکایی است. عطوان احتمال داد غافلگیری بزرگ ایران، تشدید جنگ سایبری و هدف قرار گرفتن بیش از هفت کابل اینترنتی در بستر تنگه هرمز باشد؛ اقدامی که به ادعای وی می‌تواند ارتباطات جهانی را مختل کند.
وی در پایان تأکید کرد ایران از برنامه هسته‌ای خود عقب‌نشینی نخواهد کرد و ذخایر اورانیوم غنی‌شده را واگذار نمی‌کند.

جنگ یمن از سراب امنیت وارداتی پرده برداشت

درس عبرت ریاض به اعراب آمریکایی

عربستان سعودی پس از سال‌ها جنگ و محاصره علیه یمن، با واقعیتی روبه‌رو شده که میلیاردها دلار خرید تسلیحات آمریکایی نتوانسته آن را پنهان کند و دریافته است که قدرت نظامی وارداتی، تضمین‌کننده امنیت نیست. حملات تازه انصارالله به اهدافی در عربستان، تهدید بندرجده و فشار بر نیروهای مورد حمایت ریاض در جنوب یمن، بار دیگر محدودیت‌های راهبرد اتکا به واشنگتن را آشکار کرده است. تجربه‌ای که برای پایتخت‌های عربی نیز پیام دارد. امنیت منطقه نه در قراردادهای تسلیحاتی غرب، بلکه در توان بومی، همکاری همسایگان و پایان دادن به جنگ‌های فرسایشی شکل می‌گیرد.



احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

تحولات روزهای اخیر جنگ یمن و عربستان، بار دیگر به دولت‌های عربی نشان داد که عربستانی که سال‌ها به پیشرفته‌ترین تسلیحات آمریکایی مجهز شده، چرا همچنان در تأمین امنیت پایتخت، تأسیسات اقتصادی و مرزهای خود با مشکل مواجه است؟
تازه‌ترین گزارش‌های ۲۱ و ۲۲ نوامبر از تداوم حملات متقابل حکایت دارد. در میدان زمینی نیز پیشروی انصارالله و افزایش فشار بر نیروهای مورد حمایت عربستان در محورهای منتهی به عدن، بار دیگر موازنه جنگ را به چالش کشیده است.
عربستان، با وجود هزینه‌های سنگین نظامی و حمایت خارجی، هنوز نتوانسته اهداف راهبردی خود در یمن را محقق کند. در مقابل، انصارالله توانسته با تکیه بر ظرفیت‌های نظامی و سازمانی خود، هزینه جنگ را از مرزهای یمن فراتر ببرد.
عربستان سال‌ها تلاش کرد با اتکا به برتری تسلیحاتی و پشتیبانی متحدان غربی، معادلات یمن را به سود خود تغییر دهد اما طولانی شدن جنگ و انتقال تهدید به عمق خاک این کشور نشان داد که قدرت نظامی را نمی‌توان صرفاً با قراردادهای چند میلیارد دلاری خرید اری کرد.

میلیاردها دلار سلاح آمریکایی در برابر اراده یمنی‌ها

عربستان سال‌ها تلاش کرد با اتکا به برتری تسلیحاتی و پشتیبانی متحدان غربی، معادلات یمن را به سود خود تغییر دهد اما طولانی شدن جنگ و انتقال تهدید به عمق خاک این کشور نشان داد که قدرت نظامی را نمی‌توان صرفاً با قراردادهای چند میلیارد دلاری خرید اری کرد. در نقطه مقابل، تجربه انصارالله از این منظر قابل توجه است که بازیگری با منابع اقتصادی و نظامی محدودتر توانسته در برابر ائتلافی برخوردار از تجهیزات پیشرفته، به عاملی اثرگذار در محاسبات امنیتی منطقه تبدیل شود.

در نقطه مقابل، تجربه انصارالله از این منظر قابل توجه است که بازیگری با منابع اقتصادی و نظامی محدودتر توانسته در برابر ائتلافی برخوردار از تجهیزات پیشرفته، به عاملی اثرگذار در محاسبات امنیتی منطقه تبدیل شود. این همان تفاوت میان قدرت متکی به توان داخلی و امنیت وابسته به پشتیبانی خارجی است.
تاریخ منطقه گواه آن است که کشورهای عربی همواره در موقعیت وابستگی به آمریکا قرار نداشته‌اند. در اکتبر ۱۹۷۳، هم‌زمان با جنگ اعراب و اسرائیل، کشورهای عرب صادرکننده نفت با کاهش تولید و تحریم صادرات نفت به آمریکا و برخی حامیان اسرائیل، یکی از بزرگ‌ترین شوک‌های اقتصادی قرن بیستم را رقم زدند.
در نتیجه این تحولات، قیمت جهانی نفت طی چند ماه تقریباً چهار برابر شد و اقتصادهای غربی با بحران جدی انرژی مواجه شدند. این تجربه تاریخی نشان داد که اعراب، زمانی که از ظرفیت‌های راهبردی خود به‌صورت هماهنگ استفاده کنند، می‌توانند حتی بر تصمیمات بزرگ‌ترین قدرت‌های جهان تأثیر بگذارند.
پرسش اینجاست که کشورهایی که نیم‌قرن پیش قادر بودند با ابزار نفت، واشنگتن را تحت فشار قرار دهند، چرا امروز باید امنیت خود را در گرو حمایت همان قدرت تعریف کنند؟
مرور تاریخ روابط منطقه‌ای ایران نیز واقعیت‌های مهمی را آشکار می‌کند. در سال ۱۹۹۰، هنگامی که صدام به کویت حمله کرد، جمهوری اسلامی ایران با وجود سابقه هشت سال جنگ با عراق و حمایت پیشین کویت از بغداد، تجاوز به این کشور را محکوم کرد و خواستار خروج نیروهای عراقی شد.
در سال ۲۰۰۳ نیز ایران به ائتلاف نظامی آمریکا برای اشغال عراق نپیوست و با حمله واشنگتن مخالفت کرد. تهران هشدار می‌داد که جنگ و اشغالگری، زمینه گسترش ناامنی و افراط‌گرایی در منطقه را فراهم خواهد کرد.
نمونه دیگر، بحران سال ۲۰۱۷ میان عربستان و قطر است. هنگامی که ریاض و برخی متحدانش روابط خود را با دوحه قطع و محدودیت‌های زمینی و هوایی اعمال کردند، ایران با گشودن حریم هوایی و ارسال مواد غذایی به قطر، به کاهش فشارهای اقتصادی محاصره کمک کرد.
این سوابق، دست‌کم نشان می‌دهد که تصویرسازی از ایران به‌عنوان تهدیدی دائمی برای همه کشورهای عربی، با تمام واقعیت‌های تاریخی و ظرفیت‌های همکاری منطقه‌ای سازگار نیست.
اکنون تحولات یمن فرصت مهمی برای بازنگری در محاسبات دولت‌های عربی فراهم کرده است. عربستان با وجود هزینه‌های عظیم نظامی، همچنان با تهدیدهای جدی مواجه است درحالی‌که ظرفیت‌های بومی و منطقه‌ای انصارالله این جنبش را به بازیگری تبدیل کرده که نادیده گرفتن آن دیگر ممکن نیست.
درس یمن برای پایتخت‌های عربی روشن است. آمریکا می‌تواند سلاح بفروشد، اما نمی‌تواند امنیت را تضمین کند. آینده امن منطقه بیش از آنکه در پایگاه‌های نظامی غربی رقم بخورد، به تصمیم دولت‌های منطقه برای پایان دادن به جنگ‌های فرسایشی، کاهش وابستگی خارجی و استفاده از قدرت جمعی خود گره خورده است.

گزارش‌هایی جدی درباره نقش ابوظبی در همکاری با آمریکا علیه امنیت ملی کشورمان مطرح است

امارات؛ بازوی محاصره ایران

سپاه از هدف قرارگرفتن دو رادار سامانه پدافندی پاتریوت ارتش متجاوز آمریکا در پایگاه‌های الرفاع و عوالی بحرین خبر داد؛ عملیاتی که همزمان با تشدید فشار بر تردد دریایی در تنگه هرمز و کاهش جریان نفت از این آبراه راهبردی انجام شده است. با این حال، در میان تحولات اخیر، یک پرسش اساسی همچنان بی‌پاسخ مانده است: چرا امارات متحده عربی، با وجود نقش‌آفرینی آشکار در همراهی با آمریکا، همچنان از دایره پاسخ‌های ایران مستثنی است؟



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

شامگاه شنبه روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد: «رزمندگان نیروی هوافضای سپاه، در پاسخ به تداوم تجاوز و نقض حریم هوایی ایران، با اجرای عملیات ترکیبی موشکی و پهپادی مواضع ارتش متجاوز آمریکا در پایگاه‌های الرفاع و عوالی بحرین را هدف قرار دادند.» براساس این اطلاعیه، در جریان عملیات مذکور، دو رادار متعلق به سامانه‌های پدافند هوایی پاتریوت ارتش آمریکا هدف قرار گرفتند. این عملیات در شرایطی انجام شده که همزمان، نفتکش‌های متخلف متعددی نیز در شب‌های اخیر هدف قرار گرفته‌اند و حتی برخی کشتی‌ها در نزدیک‌ترین مکان به ساحل عمان در بندر خصب و جزیره غنم نابود شدند.

کاهش عبور نفت از هرمز زیر فشار حملات ایران

روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی با اشاره به افزایش حملات ایران به کشتیرانی اعلام کرد میزان نفتی که از طریق تنگه هرمز خارج می‌شود، روند کاهشی پیدا کرده است. بر اساس اعلام عملیات تجارت دریایی بریتانیا، در هفته منتهی به ۱۸ نوامبر، تعداد کشتی‌های عبوری حدود ۱۵ درصد کمتر از هفته قبل و ۲۰ درصد کمتر از دو هفته قبل بوده است. از این تعداد، ۳۷ فروند نفتکش بودند؛ در حالی که هفته قبل ۵۲ نفتکش از این مسیر عبور کرده بودند. داده‌های شرکت کپلر نیز نشان می‌دهد جریان نفت از تنگه هرمز در هفته دوم نوامبر تقریباً به نصف جریان هفته نخست رسیده است. این آمارها نشان می‌دهد برخلاف ادعاهایی که درباره بی‌اثر بودن اقدامات ایران در تنگه هرمز مطرح می‌شود، حتی حملات محدود و مستمر نیز می‌تواند بر جریان تجارت انرژی اثر بگذارد. خورخه لئون، رئیس تحلیل ژئوپلیتیک گروه تحقیقاتی ریستاد انرژی، هشدار داده است در صورت تداوم این روند، طی دو تا سه ماه آینده کمبود نفتکش به یک مشکل بسیار بزرگ برای خروج نفت از تنگه هرمز و حتی حمل و نقل جهانی نفت تبدیل خواهد شد.

این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که آسیب دیدن نفتکش‌ها صرفاً به معنای توقف موقت تردد آنها نیست. در صورت وارد شدن خسارت به بدنه، پل فرماندهی یا موتورخانه کشتی، فرایند تعمیر می‌تواند هفته‌ها یا حتی بیشتر زمان ببرد. تخلیه محموله، پاک‌سازی مخازن، گاززدایی و دسترسی به اسکله تعمیراتی نیز از جمله مراحلی است که بازگشت نفتکش به چرخه عملیاتی را دشوار می‌کند. بنابراین، کاهش ناوگان عملیاتی نفتکش‌ها می‌تواند به عاملی مستقل برای کاهش صادرات نفت از تنگه هرمز تبدیل شود. همچنین آسیب دیدن نفتکش‌های بارگیری‌شده، علاوه بر خارج کردن شناورها از چرخه فعالیت، ظرفیت بارگیری و عملیات پایانه‌های نفتی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ادنوک؛ مسیر جایگزین برای دور زدن هرمز

اما در سوی دیگر این معادله، امارات متحده عربی در حال ایفای نقشی است که نمی‌توان آن را صرفاً یک فعالیت تجاری معمولی تلقی کرد. به گزارش وال‌استریت ژورنال، شرکت ملی نفت ابوظبی، معروف به ادنوک، عملیات انتقال نفت با هدف حفظ صادرات امارات را توسعه داده و اکنون حمل نفت دیگر صادرکنندگان را نیز بر عهده گرفته است. این عملیات به بخشی از تلاش آمریکا برای کاهش توان ایران در کنترل تنگه هرمز تبدیل شده است.

نفتکش‌های سایز کوچک ادنوک پس از عبور از تنگه هرمز، محموله‌های خود را به شناورهای بزرگ منتقل می‌کنند و برای بارگیری مجدد بازمی‌گردند. به این ترتیب، شرکت‌هایی که به دلیل خطر حملات و دشواری تأمین بیمه از عبور مستقیم از تنگه خودداری می‌کنند، امکان تحویل محموله‌های نفتی خود در خارج از این آبراه را پیدا می‌کنند. براساس داده‌های شرکت ردیابی کشتی هواکس، بیش از ۷۰ درصد نفت خامی که در ماه اوت از تنگه هرمز عبور کرده، در مراکز انتقال محموله مورد استفاده ادنوک در آب‌های نزدیک امارات و عمان به کشتی‌های دیگر منتقل شده است. نکته مهم‌تر آنکه امارات اکنون حمل نفت عراق را نیز بر عهده گرفته است. به این ترتیب، ابوظبی نه‌تنها درصدد حفظ صادرات خود، بلکه به دنبال تبدیل شدن به یک مسیر جایگزین برای صادرات نفت سایر کشورهای منطقه است؛ مسیری که در صورت گسترش، می‌تواند بخشی از آثار کنترل ایران بر تنگه هرمز را خنثی کند.

چرا امارات مستثنی است؟

در این میان یکی از مهم‌ترین پرسش‌های افکار عمومی درباره تحولات اخیر شکل می‌گیرد. چرا امارات متحده عربی، با وجود مجموعه‌ای از اقدامات خصمانه علیه ایران، همچنان از دایره پاسخ‌های بازدارنده مستثنی مانده است؟ امارات در میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، فعال‌ترین بازیگر در همراهی با سیاست‌های ضدایرانی آمریکا و رژیم صهیونیستی و در دشمنی با ایران بوده است.

در نقشه معروف بنیامین نتانیاهو نیز امارات در کنار جمهوری باکو به عنوان یکی از کشورهای دوست اسرائیل معرفی شده بود. این کشور در جنگ ۳۹ روزه نیز با اقداماتی از جمله مشارکت در حمله به پالایشگاه لاوان و ارسال پهپاد، در صف اقدامات خصمانه علیه ایران قرار گرفت. با این وجود، امارات همچنان از یک مصونیت پرسش‌برانگیز برخوردار است؛ مصونیتی که در کنار نقش‌آفرینی ادنوک در انتقال نفت کشورهای منطقه، ضرورت بررسی دقیق‌تر مناسبات اقتصادی و سیاسی این کشور با برخی جریان‌های داخلی را دوچندان می‌کند.

آیا شبکه‌ای از منافع اقتصادی، روابط تجاری و لابی‌های پرنفوذ امارات در داخل کشور وجود دارد که بر تصمیم‌گیری‌ها اثر می‌گذارد؟ آیا پدیده آقازادگی، الیگارشی اقتصادی و تراستی‌ها و منافع باندی برخی افراد، به‌ویژه اصلاح‌طلبان که روابط نزدیکی با امارات و تسلط ویژه‌ای بر پزشکیان دارند، در شکل‌گیری این وضعیت مؤثر است؟ اینها پرسش‌هایی است که نمی‌توان با سکوت از کنار آنها عبور کرد.

نخستین نتیجه تحولات اخیر آن است که اقدامات ایران در تنگه هرمز، حتی با وجود محدود بودن دامنه حملات، قابلیت اثرگذاری بر صادرات نفت را دارد.. با این حال، کاهش فعلی عبور نفت ممکن است موقت باشد و در صورت بازگشت جریان صادرات به میانگین حدود ۹ میلیون بشکه‌ای هفته‌های گذشته، بخشی از آثار این فشار از بین برود. از این رو، مسئله اصلی برای دستگاه تصمیم‌گیر کشور، حفظ اثربخشی راهبرد کنترل هوشمند تنگه هرمز و جلوگیری از شکل‌گیری مسیرهای جایگزین برای دور زدن آن است.

در این میان، عملیات کشتی به کشتی ادنوک در فجیره و آب‌های دریای عمان، یک موضوع حاشیه‌ای نیست؛ بلکه بخشی از معادله جدید صادرات نفت منطقه است. مقابله مؤثر با این روند، پیش از هر چیز مستلزم شناسایی دقیق شبکه انتقال محموله‌ها، بررسی نقش پایانه‌های واسط و هدف قرار گرفتن سوپرتانکرها و منافع ادنوک در فجیره و در زمان بارگیری ابرنفتکش‌ها توسط کشتی‌های شاتل عبور کرده از تنگه هرمز باشد.

در نهایت، مهم‌ترین پرسش همچنان پابرجاست: امارات با چه پشتوانه‌ای از پاسخ‌گویی به اقدامات خصمانه خود مصون مانده است. ملت ایران حق دارد بداند چه ملاحظاتی مانع برخورد متناسب با اقدامات خصمانه این کشور شده و منافع چه افراد و جریان‌هایی ممکن است در این میان بر منافع ملی سایه انداخته باشد.

امارات و جانفشانی برای اسرائیل و آمریکا در هرمز

در حالی که نفتکش‌های متخلف در شبانه‌روز اخیر هدف حملات قرار گرفته‌اند، شرکت ملی نفت ابوظبی با توسعه عملیات کشتی‌به‌کشتی و انتقال محموله‌های نفتی در فجیره و آب‌های عمان، عملاً به دنبال ایجاد مسیر جایگزین برای صادرات نفت کشورهای منطقه است؛ اقدامی که وال‌استریت ژورنال آن را بخشی از تلاش آمریکا برای کاهش توان ایران در کنترل تنگه هرمز توصیف کرده است.

یادداشت

نگذاریم پیروزی را از داخل بشکنند

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

مرور مواضع به‌شدت رادیکال‌تر، بی‌پرواتر و بعضاً وقیحانه‌تر جریان اصلاح‌طلب برجامی، به‌ویژه پس از شهادت رهبر انقلاب، پرده از واقعیتی مهم برمی‌دارد؛ جریانی که در دوران رهبری شهید، حتی جرئت بیان آشکار برخی مواضع ضددینی، ضدانقلابی و ضداسلامی خود را نداشت، اکنون تصور می‌کند خلأ ناشی از فقدان آن رهبری، فرصتی تاریخی برای عبور از خطوط قرمز نظام و تصاحب سرنوشت سیاسی کشور فراهم کرده است. کنار رفتن نقاب از چهره بسیاری از سیاستمداران وسط باز نیز همین واقعیت را عیان‌تر کرده است. گویی جریان کودتاگر علیه انقلابی ماندن جمهوری اسلامی، پس از چندین بار شورش و آزمودن ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی کشور، این بار سودای آن را در سر می‌پروراند که با الگوبرداری از دلسی رودریگز، در سایه شرایط جدید، عنان قدرت را به دست بگیرد؛ هم بندگی خود در برابر آمریکا را بی‌پرده‌تر اعلام کند و هم بر سرنوشت ملت ایران چمبره بزند.

در این میان، نگاهی به سخنان بسیار وقیحانه‌تر شده ظریف و روحانی و همچنین مواضع به‌شدت شرم‌آور بخشی از طیف اصلاح‌طلب و سلبریتی‌های سیاسی آن در دانشگاه‌ها، محیط‌های علمی، عرصه فرهنگی و دیگر حرفه‌ها، نشان می‌دهد مسئله صرفاً اختلاف نظر سیاسی یا رقابت جناحی نیست. این طیف که با رهبری آیت‌الله شهید مجتبی خامنه‌ای در تحقق هدف اولیه خود ناکام مانده، اکنون شمشیر را برای نظام اسلامی و اصل ولایت فقیه از رو بسته است. آنان با محاسبه‌ای غلط از شرایط پس از شهادت رهبر انقلاب، می‌کوشند دوره جدید ایران را به دوره‌ای از پسرفت راهبردی تبدیل کنند؛ دوره‌ای که در آن، ایران نه‌تنها در برابر آمریکا سرسپرده شود، بلکه چنان از موضع اقتدار و استقلال فاصله بگیرد که حتی در برابر کشورک‌های عربی حاشیه خلیج فارس نیز با حقارت و ضعف ظاهر شود.

با کمال تأسف، ردپای این جریان را می‌توان در کلمه به کلمه سخنان مسعود پزشکیان نیز مشاهده کرد. رئیس جمهوری که به‌واسطه ساده لوحی سیاسی، ضعف در تمرکز بر کلام و ناتوانی در تشخیص ابعاد پیچیده معادلات سیاسی، مداوم به بستری برای انتقال دیدگاه‌های آنان تبدیل شده است. این جریان در سایه ضعف شناختی و سیاسی پزشکیان، مسیری را دنبال می‌کند که خروجی آن افزایش نارضایتی، انتقال مسئولیت ناکارآمدی‌ها به نظام و رهبری، و ارسال پالس‌های ضعف به طرف خارجی است؛ پالس‌هایی که گاهی حتی بر مبنای روایت‌های خلاف واقع ساخته می‌شوند. این همان الگوی آشنای دهه هفتاد، فتنه ۸۸ و دهه سیاه نود است: تولید بحران، فرسایش اعتماد عمومی، مقصرسازی نظام و سپس عرضه عقب‌نشینی در برابر غرب به‌عنوان تنها راه نجات کشور.

از همین رو، در حوزه سیاست خارجی، برخورد قاطع‌تر با این طیف، مواضع ضد منافع ملی و پالس‌های ضعف آن ضرورتی انکارناپذیر است. تجربه تاریخی غرب نیز مؤید همین ضرورت است؛ چنان‌که چرچیل در برابر جریان تسلیم‌طلبی در بریتانیا، در برابر هیتلر، رویکردی سازش‌ناپذیر اتخاذ کرد. در منطق اسلامی نیز امانت‌داری نسبت به سرنوشت جامعه و مقابله با خیانت به مصالح عمومی، تکلیفی روشن است. هیچ دشمن خارجی بدون زمینه‌سازی داخلی، تا این اندازه امکان ضربه زدن به منافع ملی را پیدا نمی‌کند. مسئله امروز، تسویه حساب جناحی نیست؛ مسئله جلوگیری از مصادره جمهوری اسلامی، تضعیف ولایت فقیه و بازگرداندن ایران به مدار وابستگی است. با چنین پروژه‌ای نمی‌توان با تعارف، مماشات و سکوت برخورد کرد و قوه قضائیه در این میان وظیفه‌ای تاریخی دارد.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

یادداشت

سینما مخاطب ندارد

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

آمارهای منتشرشده از گیشه سینما در آبان‌ماه نشان‌دهنده افت محسوس و نگران‌کننده استقبال عمومی است. براساس این گزارش، در آبان‌ماه تنها دو میلیون و دویست و هفتاد و چهار هزار نفر بلیت خریدند که این رقم کاهشی هجده درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته و افتی پانزده درصدی نسبت به مهرماه امسال را نشان می‌دهد. میانگین تعداد مخاطبان در هر سانس نیز به بیست و هشت نفر رسیده است که پایین‌ترین حد در ماه‌های اخیر محسوب می‌شود. فیلم‌هایی نظیر بورسیه و خانوم والده توانستند بیشترین تماشاگر را به سالن‌ها بکشانند.

آثاری مانند سفینه نجات و بی‌دار و بامبولک نیز در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند، اما مجموع فروش آن‌ها نتوانست میانگین مخاطب هر سانس را به سطح مطلوب برساند و این اعداد در مقایس با ظرفیت واقعی سالن‌ها بسیار ناچیز است. برای درک چرایی این ریزش مداوم و نگران‌کننده مخاطب، باید به دو عامل بنیادین و ساختاری توجه ویژه کرد. نخستین و شاید ملموس‌ترین دلیل، اقتصاد ضعیف و معیشت ناپایدار خانواده‌هاست. در شرایطی که تورم و هزینه‌های روزمره بخش بزرگی از سبد درآمد خانوار را می‌بلعد، تفریحات فرهنگی از جمله سینما رفتن به یک کالای لوکس و حاشیه‌ای تبدیل شده است.

خانواده‌ها پیش از خرید بلیت و تحمل هزینه‌های جانبی رفت‌وآمد، ده‌ها بار درباره این موضوع فکر می‌کنند و در نهایت قید این تفریح را می‌زنند. دومین دلیل بسیار مهم، فقدان سینمای ژانر و ضعف در فیلم‌نامه‌نویسی است. مخاطب امروز برای خروج از خانه و صرف هزینه، نیاز به انگیزه قوی دارد. وقتی سینمای کشور نتواند در ژانرهای جذاب و پرطرفدار مانند کمدی استاندارد، اکشن مهیج یا درام‌های خانوادگی قوی اثرگذاری کند، طبیعی است که سالن‌ها خالی بمانند.

آمار فروش فیلم‌های پرفروش آبان‌ماه نشان می‌دهد که تنها آثاری که تا حدی توانسته‌اند مخاطب را راضی کنند، در ژانرهای عامه‌پسند بوده‌اند و سینمای بدنه ما همچنان در تولید آثار ژانر باکیفیت ناتوان است. ترکیب این دو عامل یعنی جیب خالی مردم و ویترین ضعیف سالن‌ها، باعث شده است که سینما رفتن به طور کامل موضوعیت خود را از دست بدهد. دیگر خبری از آن شور و اشتیاق گذشته نیست و سالن‌ها حتی در زمان اکران فیلم‌های پرفروش نیز نیمه خالی هستند. تا زمانی که قدرت خرید خانواده‌ها بازنگردد و سینماگران نیز نتوانند آثاری در خور شأن مخاطب و در چارچوب ژانرهای مشخص تولید کنند، این روند نزولی ادامه خواهد داشت و سینما به حاشیه رانده می‌شود و جایگاه واقعی خود را در سبد تفریحات مردم از دست خواهد داد.

چرا جشن حافظ شأنیت یک رویداد فرهنگی و هنری را ندارد؟

جشن حافظ یا ویترین سیاسی‌کاری و سلبریتی‌سازی

جشن حافظ قرار بود محفلی برای پاسداشت سینما و تلویزیون ایران و تقدیر از خالقان آثار ماندگار باشد؛ اما مرور دوره‌های اخیر این مراسم، پرسش‌هایی جدی درباره فاصله میان ادعای فرهنگی و عملکرد آن ایجاد می‌کند. از تشریفات پرزرق‌وبرق و حواشی فرش قرمز گرفته تا ابهام در معیارهای داوری، تکرار نام برخی چهره‌ها، غیبت آثار قابل‌توجه و سهم نامتوازن تولیدات شبکه نمایش خانگی، همگی نشان می‌دهند که این رویداد با مسئله‌ای فراتر از چند بی‌نظمی اجرایی روبه‌روست. انتقادهای رسانه‌ای در سال‌های گذشته نیز بارها بر همین نقاط دست گذاشته‌اند. سوال اینجاست که آیا جشن حافظ هنوز در خدمت ارتقای هنر و فرهنگ عمومی است یا به‌تدریج به ویترینی برای نمایش شهرت، مناسبات رسانه‌ای و رقابت‌های تجاری تبدیل شده است؟



وحید ناظری
روزنامه‌نگار

یکی از مهم‌ترین انتقادهایی که طی سال‌های اخیر به جشن حافظ وارد شده، غلبه ظاهر و تشریفات بر محتوای هنری است. تجملات و رقابت‌های کاذب بیش از خود هنر در این دورهمی مورد توجه قرار می‌گیرند. این انتقاد در واقع به یک سؤال اساسی اشاره دارد: اگر قرار است یک رویداد فرهنگی معیار ارزش‌گذاری آثار هنری باشد، چرا بخش قابل‌توجهی از بازتاب رسانه‌ای آن به پوشش، ظاهر و حواشی مهمانان اختصاص پیدا می‌کند؟ در این سال‌ها آنچه پس از برگزاری مراسم بیشتر در فضای رسانه‌ای دیده می‌شد، استایل و لباس شرکت‌کنندگان بوده، نه تحلیل آثار سینمایی و تلویزیونی. این وضعیت برای رویدادی که نام حافظ را بر پیشانی دارد، قابل تأمل است.

دومین محور انتقاد، به انتخاب نامزدها و برگزیدگان بازمی‌گردد. در این مراسم شائبه جانبداری از برخی چهره‌ها و پلتفرم‌های خاص بسیار برجسته است. وجود چنین شائبه‌ای ضرورت انتشار معیارهای دقیق انتخاب، اعلام سازوکار تعارض منافع و شفاف‌سازی ترکیب هیئت داوران را دوچندان می‌کند. اچرا که اعتبار یک جایزه فرهنگی به اعتماد عمومی نسبت به فرایند انتخاب نیز وابسته است.

در دوره‌های اخیر جشن حافظ، غیبت تقریبا کامل نمایندگان صداوسیما در میان نامزدهای تلویزیونی، پرسش‌هایی درباره دامنه انتخاب آثار ایجاد کرده است که رنگ‌وبوی سیاسی دارد. وقتی یک رویداد مدعی نمایندگی تمام عرصه تصویر کشور است، باید توضیح دهد که چگونه آثار رسانه‌های مختلف را ارزیابی می‌کند و چه معیاری برای مقایسه آنها دارد.

موضوع دیگر، تناسب هزینه‌های تشریفاتی با مسئولیت اجتماعی یک رویداد فرهنگی است. برگزاری مراسم در سالنی مجلل، تأخیر طولانی، خستگی حاضران و محدود بودن دایره نامزدها دیگر انتقاداتی است که به شکل برگزاری جشن حافظ وارد است. تجملات برگزاری جشن حافظ و همزمان داعیه حمایت از هنر و هنرمندان، این پرسش را در سالهای اخیر ایجاد کرده است که آیا بهتر نیست بخشی از هزینه‌های تشریفاتی چنین مراسم‌هایی صرف حمایت از هنرمندان کم‌برخوردار شود؟

جشن حافظ یک رویداد خصوصی است و حق دارد برای تأمین هزینه‌های خود از حامیان مالی استفاده کند؛ اما خصوصی بودن، مسئولیت فرهنگی را از برگزارکنندگان سلب نمی‌کند.

در نهایت باید به این موضوع اشاره کرد که نقد جشن حافظ به معنای مخالفت با تجلیل از هنرمندان نیست. اتفاقاً جامعه فرهنگی ایران به رویدادهایی نیاز دارد که استعدادهای واقعی را معرفی کنند، آثار ارزشمند را بشناسند و به تولیدات متعهد و اثرگذار میدان بدهند. اما چنین هدفی با سلبریتی‌محوری، ابهام در داوری و غلبه تشریفات محقق نمی‌شود.

نام حافظ نیز نباید عنوانی برای اعتباربخشی به یک مراسم باشد. انتظار می‌رود برگزارکنندگان این رویداد با بازنگری در معیارهای انتخاب، شفاف‌سازی داوری و بازگرداندن آثار به مرکز توجه، فاصله میان نام فرهنگی جشن و عملکرد آن را کاهش دهند. در غیر این صورت، خطر آن وجود دارد که جشن حافظ بیش از آنکه جشن هنر ایران باشد، به جشن چهره‌های مشهور و مناسبات رسانه‌ای تبدیل شود.

یادداشت

اکران سیار با «کوچ» اوج می‌گیرد

وحید ناظری
روزنامه‌نگار

فیلم سینمایی «کوچ» از بیستم آبان‌ماه اکران سراسری خود را آغاز کرده و از اول آذر نیز از طریق طرح اکران مردمی عمار در مناطق فاقد سینما به نمایش درمی‌آید. این اثر روایتگر دوران کودکی و نوجوانی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی است که در چهل‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر در سال ۱۴۰۴ موفقیت‌های چشمگیری کسب کرد. این فیلم در دوازده رشته نامزد شد و دو سیمرغ بلورین به همراه دو دیپلم افتخار را از آن خود ساخت. همچنین در سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، سه پروانه زرین را تصاحب کرد. علاقه‌مندان اکنون می‌توانند این اثر ارزشمند را در مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، ادارات، سالن‌های فرهنگی شهرهای بدون سینما و روستاها به تماشا بنشینند.

نمایش این اثر در مناطق محروم و فاقد سالن سینما، اقدامی بسیار ارزنده و راهگشاست. این رویکرد فرهنگی موجب رویش‌های قابل‌توجهی در میان صاحبان اصلی انقلاب اسلامی در حوزه هنر، به‌ویژه سینما خواهد شد. جوانان متعهد و خلاق در این مناطق، با مشاهده چنین آثاری انگیزه مضاعفی پیدا می‌کنند تا خودشان دست به قلم و دوربین ببرند. در واقع، بستر لازم جهت پرورش استعدادهای ناب در دل همین مناطق کمتربرخوردار فراهم می‌گردد و نسل جدید سینماگران انقلابی با قدرت بیشتری ظهور خواهند کرد.

آنان با الهام از این روایت‌های ماندگار، زبان هنر را به خدمت ارزش‌های الهی درمی‌آورند. از سوی دیگر، این حرکت فرهنگی مصداق بارز یک جهاد هنری تمام‌عیار است. هنرمندان متعهد با تحمل مشقات و سفر به نقاط دوردست، رسالت روشنگری خود را به بهترین شکل ممکن انجام می‌دهند. ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در قالب زبان شیرین سینما، گامی بلند در مسیر بصیرت‌افزایی جامعه محسوب می‌شود.

تماشای این فیلم، شناخت عمیق‌تری نسبت به اسطوره‌های تاریخ این سرزمین نظیر حاج قاسم سلیمانی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. نسل امروز با تماشای سیره عملی این بزرگواران در قالب روایت‌های جذاب سینمایی، الگوهای واقعی زندگی خود را بهتر می‌شناسند و مسیر آینده خویش را با روشنایی بیشتری ترسیم می‌کنند. بدین ترتیب، پیوند عمیق میان هنر متعهد و مخاطب عام در سراسر نقاط کشور تقویت می‌گردد و این امر، نوید بخش آینده‌ای درخشان خواهد بود.

خدا کند فاجعه قبلی تکرار نشود



نشست مشترک مسئولان سازمان سینمایی و ارتش با هدف تولید آثاری درباره تاریخ ارتش، دفاع مقدس و نقش نیروهای نظامی برگزار شد. فریدزاده نیز تأکید کرد که هنوز حق مطلب ادا نشده و ۵ فیلم جدید قرار است در این زمینه تولید شود.

اما شنیدن این خبر از آنکه موجب خوشحالی شود، نگرانی به همراه دارد. ما دعا می‌کنیم که کیفیت این ۵ اثر شبیه به فیلم‌های سال گذشته جشنواره نباشد تا بار دیگر موجب آبروریزی سینمای ایران نشوند. تکرار کلیشه‌های فرسوده و شعارزدگی، نه‌تنها حق مطلب را ادا نمی‌کند، بلکه مخاطب را بیشتر از این حوزه دلزده خواهد کرد. هرچند واقع‌بینانه باید گفت که با توجه به رویکرد و فرمانی که دولت چهاردهم در حوزه فرهنگ در پیش گرفته، احتمالاً همین اتفاق تلخ تکرار خواهد شد.

وقتی اولویت به جای هنرمندی و کیفیت، صرفاً انجام تکالیف سازمانی و سفارشی‌سازی باشد، نتیجه‌ای جز تولید آثاری بی‌کیفیت حاصل نمی‌شود و باز هم باید شاهد افتضاحات سینمایی باشیم.